افغانستان
بین همسایه ها
و کشور های بزرگ

فضل غنی مجددی

بخدمت استاد گرامی جناب محترم
حبیب الله رفیع تقدیم شد
فضل غنی مجددی
۱۳/۷/۲۰۰۰

افغانستان
بین همسایه ها
و کشور های بزرگ

فضل غنی مجددی

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از ختم جنگ سرد در اوائل سالهای هفتاد میلادی بین دو قوه در عالم یعنی قطب کمونیزم بقیادت اتحاد جماهیر شوروی و غرب بقیادت ولایات متحده امریکا مداخلات نظامی بین طرفین جهت توسیع مناطق نفوذ در جهان سوم جریان داشت تا حدی سرد شد . باسقوط امپراطوری روسیه و اتحادیه کشور های سوسیالستی در جهان امریکا منحیث قوه جهانی بدون رقیب باقی ماند . امریکا از فرصت استفاده نموده در پی تسلط کامل اقتصادی و سیاسی در جهان سوم گردید و تا حدی توانست نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در مناطقی که سابق زیر نفوذ اتحاد جماهیر شوری بود ثابت نماید و در شئون بسیاری کشور های اسلامی و آسیائی و افریقائی مداخله نظامی و غیر نظامی نماید . سقوط اتحاد شوروی بهترین چانس برای توسعه نفوذ امریکا در جهان سوم بحساب میآید .

در اثر سقوط امپراطوری روسیه شوروی و خارج شدن امریکا بحیث قوه واحد جهانی در جهان سوم نقش قوای منطقوی ازدیاد یافت و قوای محلی و منطقوی در غیاب و با سقوط اتحاد شوروی جهت تسلط سیاسی و اقتصادی در بعضی مناطق شرق آسیا مثل افغانستان کشور های آسیائی که جز روسیه بودند و همچنان کمبودیا ، نیکارگا ، موزمبیق ، انگولا و جنوب افریقا علیه یکدیگر داخل اقدامات سیاسی و عسکری گردیدند . در اثر سقوط اتحاد جماهیر شوروی و تولد روسیه جدید بنام روسیه اتحادی مشکلات جدید بین روسیه جدید و مناطق دیگر اتحاد شوروی آغاز یافت مثل مشکلات چیچان و تتارستان و انتشار جنگهای خونین در منطقه بالقان مثل بوسینا ، البانیا ، کوسفا و جبل اسود .

ضمن همچشمی های سیاسی و تسلط اقتصادی و نظامی در منطقه جهت بدست آوردن زعامت سیاسی و اقتصادی بعد از غیاب همچشمی دو قطب جهانی « روسیه و امریکا » در جنوب آسیا همچشمی های جدید بین هندوستان و پاکستان و همچنان بین کشور

های جنوب شرق آسیا و چین از یک طرف و بین هندوستان و ایران و پاکستان از جانب دیگر جهت تسلط نفوذ در آسیای مرکزی که عبارت از تولد جمهوریات غنی اسلامی تابع اتحاد شوروی سابق است آغاز یافت • جمهوریت های آسیائی جدید نیز در جستجوی بازار برای صادر نمودن پترول خود به جهان گردیدند و در فکر راه ترانزیتی برای صادرات خود شدند •

در بین ظهور رقابتهای جدید سیاسی و اقتصادی بین کشور های منطقه یکبار دیگر کشور های بزرگ نیز متوجه خطر شدند و برای ازیاد نفوذ و انتشار آن و استفاده های اقتصادی یکبار دیگر افغانستان منحیث منطقه مهم جغرافیوی اهمیت یافت و ثابت شد که بدون افغانستان رسیدن به مناطق جدید اقتصادی در آسیا نا ممکن است و تمام اطراف داخل رقابت یکبار دیگر متوجه أهمیت استراتیژیکی افغانستان شدند و افغانستان بار دیگر میدان رقابتهای سیاسی گردید و لیکن بشکل وسیعتر یعنی منطقوی و بین المللی شد که در عدم موجودیت حکومت قوی در کابل یگانه کشوری که از رقابتهای سیاسی و اقتصادی مستفید نشد افغانستان بود •

اگر چه این بار در ظاهر رقابت ها بین پاکستان و ایران و هند در سرزمین افغانستان منحصر است لیکن در خفا کشور های جهان نیز بیرون از رقابت در افغانستان نیستند و هر کدام جهت اهداف خاص و منافع سیاسی و اقتصادی خاص خود داخل اقدم اند• ولایات متحده امریکا در کشور های آسیائی سابق روسیه علاقه اقتصادی زیاد دارد و میخواهد در عوض روسیه سید منطقه باشد در حالیکه روسیه اتحادی نمی خواهد امریکا تنها وارث وی در منطقه گردد و تمام منافع اقتصادی را به تنهائی کسب نموده و امنیت سیاسی روسیه اتحادی را بخطر اندازد •

در بین این رقابت های جدید منطقوی و بین المللی بار دیگر موقعیت افغانستان أهمیت یافت و افغانستان بار دیگر منطقه رقابت های جهان گردید که متأسفانه واقعات اخیر افغانستان را مردم افغانستان و منطقه واقعات داخلی تعریف نمودند و علت آنرا رقابت

های احزاب جهادی برای رسیدن به کرسی حکومت و رقابتهای مذهبی و نژادی معرفی نمودند •

در این تحقیق بسیط و خلاصه نقش کشور های همسایه و منطقه و بعضی کشور های بزرگ را در ارتباط به قضیه افغانستان توضیح خواهد یافت لیکن لازم دیده میشود تا قدری در موضوعات که مربوط به جهاد و سیاست جهانیان نسبت به قضیه جهاد است و همچنان در موضوع جوانان مجاهد عرب روشنی انداخته شود و باز در موضوع طالب ها تفصیل بیشتر داده خواهد شد •

افغانستان منحیث یک کشور بیطرف بین دو قوه بزرگ جهانی دارای أهمیت زیاد بود لیکن روسیه شوروی خواست تا از افغانستان به تنهائی استفاده نموده و از طریق افغانستان نفوذ امریکا را در منطقه مورد تهدید قرار بدهد که برای امریکا غیر قابل قبول بود •

کشورهای اسلامی و غربی راه دیگر برای خروج شوروی از افغانستان جز تقویت عناصر جهادی نداشتند زیرا یگانه قوای سیاسی در ساحه افغانستان احزاب جهادی بود و احزاب جهادی نیز بنام اسلام و دفاع از عقیده قیام نموده بودند و جنگ را در افغانستان صبغه اسلامی داده بودند که ملت افغانستان نیز به ندای جهاد لبیک گفته جان و مال و اولاد خود را قربانی نمودند •

کشور های که از تسلط عناصر اسلامی در جهان خوف داشتند و قیام حکومت اسلامی را به پایه جهاد ضرر به منافع سیاسی و اقتصادی خود میدانستند قبل از آزادی افغانستان پلانهای بزرگ برای آینده افغانستان در دست داشتند که ما تطبیق آنرا بچشم خود ملاحظه نمودیم و تا هنوز در نتیجه آن می سوزیم و میسازیم •

در نتیجه ناکامی احزاب جهادی و انتشار فتنه و فساد در کشور در اوائل اکتوبر خصوصا بعد از سقوط کابل بدست قوای طالب ها نغمه و سیاست جدید افغانها را به خود مشغول ساخت و آن مخالفت های زبانی و قومی که جاسوسان جهان قبلا آنرا پایه گذاری نموده بودند و در وقت مناسب عملی نمودند که متأسفانه ما افغانها تا حال

حاضر نیستم حقیقت آنرا درک و یا به حقیقت آن اعتراف نمائیم ۰
ما باید قدری خود را زحمت بدهیم و سیاست قوای استعماری را نسبت به قضیه سیاسی و ملی و اسلامی خود مورد مطالعه ومناقشه قرار داده بیک نتیجه علمی برسیم تا در روشنی آن در جستجوی حل سیاسی و معقول برای کشور جنگ زده خود گردیم ۰
باید از خود سؤال نمائیم که جهان غیر اسلامی و حکام کشور های اسلام از افغانستان چه میخواهند و منافع صهیونی ها و صلیبی ها و هندو ها در چه است و نسبت به قضیه ما چه نوع علاقه را دارند و در نهایت چه میخواهند ۰
مشکلات داخلی افغانستان در تقویت نفوذ خارجی ها نقش اولی و اساسی را دارد و اگر ما مشکلات خود را حل نمائیم هر قدر قوای خارجی بزرگ باشد نمی توانند در سیر حوادث سیاسی کشور ما بسیار مؤثر باشند ۰ کشور های خارجی و قوای استعماری از افغانستان موضوعات ذیل را میخواهند که باید بنفع ایشان خاتمه یابد :

اول - جهاد :

جهاد در افغانستان بمعنی اسلامی آن بود و بعد از سالهای زیاد امت اسلام در مشرق و مغرب کلمه جهاد را که فقط در کتب مطالعه نموده بودند عملا بچشم دیدند و مسلمانان افغانستان و مسلمانان جهان پیروزی ملت افغان را در مقابل روسیه نتیجه جهاد و حمایت خداوند سبحانه و تعالی از مجاهدین تعبیر نمودند ۰ کلمه جهاد و مجاهد بود که ملیونها جوان افغان زن و مرد و صدها جوان غیر افغان شهید شدند تا به هدف عالی اسلامی برسند ۰
در نتیجه استمرار جهاد و نتیجه آن که شکست امپراطوری روسیه بود فکر و فلسفه جهاد از سرحدات افغانستان بیرون شد و مجاهدین آزادی خواه نظامهای سیاسی مستبد ایشانرا در جهان اسلام و غیر اسلام به لرزه انداختند که اروپای شرقی نیز از جهاد ملت افغان استقبال نموده پوشیدن لباس افغانی را رمز آزادی و مبارزه با روسیه

دانستند • و از نتیجه جهاد افغانستان به آزادی رسیدند •

صهیونی ها و دشمنان عقیده اسلامی متوجه خطر جدید گردیدند و عملا علیه فکر جهاد و نتیجه آن شده جرائد و مجلات و جمیع وسائل مطبوعاتی دست به کار گردیده برای جهانیان قوه خطر ناک جدید را بنام قوه جهاد معرفی نمودند که متأسفانه اعمال و روش غیر مسئولانه احزاب جهادی در نشر تبلیغات مطبوعاتی علیه مجاهد و جهاد کمک نمود و جهاد برای جهانیان وسیله تخریب و قتل و قتال معرفی شد که زیادترین سود را دشمنان اسلام برداشتند • یهودها جهان را متوجه ساختند که جهاد وسیله آزادی نبوده بلکه وسیله تخریب میباشد و نباید امت اسلام را بگذاریم فکر جهاد شوند که بدبختانه تعدادی از گروپ های جهادی بدون شعور در تقویت این نوع فکر دشمنان اسلام در مورد جهاد ممد دشمنان اسلام واقع شدند •

دوم : موجود بودن جوانان عرب در افغانستان :

جوانان کشور های عربی بعد از اعلان جهاد علیه الحاد و ملحدین از طرف ملت افغانستان به عشق و علاقه که به جهاد و خدمت دین اسلام داشتند درس و وظیفه خود را گذاشته به افغانستان آمده در صف اول با مجاهدین قرار گرفتند و جان های نفیس خود را در پهلوی ارواح شهدای افغانستان قربان نموده در سرزمین مجاهد پرور افغانستان دفن شدند • راپور های موثق غربی در حدود پانزده تا بیست هزار مجاهد عرب را در افغانستان تأیید میکرد •

دکتور عمر عبدالرحمن که در زمان جهاد شخصیت اسلامی قوی بحساب میآمد در تشویق جوانان عرب از تنظیم (الجهاد الاسلامی) کوشید • نامبرده در مصاحبه مطبوعاتی خود از زندان نیویارک با جریده الشرق الاوسط گفت که اگر میدانست زعمای جهادی افغانستان برای گرفتن قدرت سیاسی با هم داخل جنگ میشوند و افغانستان را

خراب میسازند بیست هزار جوان عرب را در افغانستان شهید نمی ساختم •
مصاحبه مطبوعاتی دکتور عمر عبدالرحمن را اگر چه در مورد تعداد جوانان عرب نمی توان تأیید کرد لیکن واضح میشود که حرکت جماعت اسلامی مصر در جهاد نقش بزرگتر را نسبت به دیگران داشت که دکتور عمر عبدالرحمن صفت مفتی این تنظیم شبه عسکری را تا هنوز بعهده دارد •

حرکت الاخوان المسلمین نیز در جهاد افغانستان نقش اساسی را داشت • این نهضت در سالهای ۱۹۶۰ با نهضت اسلامی افغانستان ارتباط قائم نموده بود و به ارسال کتب از کویت بزبانهای فارسی و پشتو در نشر فکر اسلامی معاصر نقش اول و اساسی را داشت • دفتر اخوان المسلمین در بیروت ده هزار کتاب شهید سید قطب را که مرحوم استاد محمد جان احمدزی به پشتو بنام های د اسلام لاره و څو اسلامی درسونه ترجمه نموده بود چاپ و به آدرس کتابخانه غنی به کابل فرستاد که ترجمه کتب اخوان در ثقافت اسلامی جوانان معاصر افغانستان رول مهم را بازی نمود•

در زمان جمهوریت سردار محمد داود خان در سال ۱۹۷۳ از طرف مرحوم حضرت محمد هارون مجددی استاد برهان الدین ربانی از پشاور به مصر دعوت شد که مصرف سفر و اقامت استاد را نهضت اخوان پرداخت • ملاقات استاد ربانی با مسؤلین نهضت اخوان المسلمین مقدمه تازه برای کسب مساعدات مالی و حمایت سیاسی برای نهضت جهادی جوان های افغانستان بود زیرا نهضت اخوان المسلمین قدرت تحریک محصلین و جوانان را در کشورهای اسلامی داشت •

کمک های اخوان المسلمین در عصر حکومت سردار محمد داود خان منحصر به تقدیم مساعدت های مالی برای مهاجرین جوان پوهنتون های افغانستان بود • دادن بورس های تعلیمی برای جوانان افغانستان در پوهنتونهای سعودی و بعضی کشور های خلیج از همکاری حرکت اخوان المسلمین بود و تعداد زیادتر از سه صد جوان از این بورس ها استفاده نمودند و بعدا ارکان عالی دولت مجاهدین را ساختند •

نهضت اخوان دروازه اولین اتصال بین حرکت جهادی افغانستان در پشاور و حکومت سعودی را باز ساخت که در آینده از آن استفاده بزرگ شد •
بعد از انقلاب کمونستی بقیادت نور محمد تره کی اخوان المسلمین از همه حرکات اسلامی دیگر عربی زودتر داخل میدان جهاد گردید و علت آن اتصالات قبلی و ارتباطات اخوان المسلمین با جمعیت اسلامی پاکستان بود • اخوان المسلمین اولین نماینده خود را از کویت بنام (انجینر علی ۰۰) به پشاور فرستاد • بنده انجینر مذکور را در میدان پشاور استقبال نمودم و انجینر مذکور در شب هفتم رمضان ۱۹۷۸ با انجینر حکمت یار ملاقات نموده و در همان شب با هئیتی از حزب بریاست قاضی رضوان داخل افغانستان گردید • انجنیر علی در تربیه عسکری در جنگهای فلسطین تجربه کافی داشت • با آنکه سفر انجینر علی از داخل افغانستان رضایت کننده نبود و کمپ های حزب اسلامی را در داخل افغانستان تأیید نکرد لیکن در روابط اخوان المسلمین با جهاد افغانستان در آینده یک قدم مثبت بود •
شخص دوم و بسیار مهم در نهضت اخوان که به پاکستان برای اشتراک به جهاد فرستاده شد دکتور عبدالله عضام بود • عبدالله عضام در اصل از فلسطین بود که در کویت زندگی میکرد • عبدالله عضام دفتر اخوان را در اسلام آباد افتتاح نمود و جریده جهاد را بزبان عربی بچاپ میرساند که اخبار جهاد را پخش می نمود • عبدالله عضام در پشاور با دو پسرش بشهادت رسید که تا امروز علت شهادت وی معلوم نگردیده • دکتور عبدالله عضام در تقویت اتحاداسلامی استاد سیاف نقش اول را بازی نمود و همچنان در ضعیف ساختن جبهه نجات ملی . محاذ اسلامی و حرکت انقلاب اسلامی کوشید و کتابی بنام «« آیات الرحمن فی جهاد الافغان »» را که تبلیغات خوبی برای اتحاد اسلامی بود بزبان عربی بچاپ رسانید • بعد از شهادت دکتور عبدالله عضام دکتور کمال بحیث نماینده اخوان در دفتر اسلام آباد برای جهاد افغانستان تعیین شد که شخص بسیار فعال و مخلص برای جهاد بود و تا آزادی افغانستان در پاکستان باقی

ماند •

حرکت اخوان المسلمین در راه تقویت جهاد زحمت های زیادی را کشید و آنچه در دست داشت به اختیار مجاهدین گذاشت • اشتباه حرکت اخوان در ایام جهاد در آن بود که فقط با سه تنظیم مثل جمعیت اسلامی و حزب اسلامی حکمت یار و اتحاد اسلامی سیاف همکاری داشت و حرکات جهادی دیگر را نادیده گرفته علیه ایشان جبهه قوی را تشکیل داد که در مقابل تنظیم های جهادی دست به تبلیغات علنی و مستقیم علیه نهضت اخوان المسلمین و تمام عربها زدند که در نتیجه عربها بنام وهابی بین جامعه افغانی معرفی شدند و نتائج آینده آن وخیم بود •

حکومت های کشور های عربی در تشویق جوانان خود برای اشتراک در جهاد دست به تبلیغات زدند و حاضر شدند تکت طیاره جوانان خود را بپردازند • مرحوم محمد انور السادات شخصا جوانان مصر را برای جهاد ترغیب می نمود زیرا جهاد را وسیله خوب در مبارزه خود با روسها میدانست • انور السادات اولین ریئس دولت عربی بود که دفتر افغانستان را در قاهره افتتاح نمود و عمارت و بودجه اتحایه کشور های عربی را که بنام جامعه الدول العربی یاد میشد به اختیار افغانستان قرار داد که مرحوم حضرت محمد هارون مجددی بحیث سکرتیر جنرال اتحادیه ملت های اسلامی و عربی دفتر افغانستان را نیز رهبری میکرد • محمد انور السادات از قضیه افغانستان دو هدف سیاسی داشت : یکی که مصر را از محاصره سیاسی و اقتصادی جهان عرب خارج بسازد زیرا بعد از امضای معاهده با دولت اسرائیل کشور های عربی با مصر قطع روابط سیاسی و اقتصادی نموده بودند و دفتر اتحادیه کشور های عربی را از قاهره به تونس انتقال داده بودند • دوم قضیه افغانستان وسیله خوبی برای انور السادات در مبارزه علیه روسیه بود •

سیاست حکومت های عربی تا ختم جهاد به حال خود باقی ماند لیکن بعد از ختم جهاد و شکست سیاسی روسیه و خطر آن برای جهان عرب سیاست کشور های عربی

نیز تغییر نمود و دول عربی به جوانان شان در افغانستان بنظر شک و خوف دیدند و از عودت شان از خود خوف نشان دادند که کشور های غربی نیز با کشور های عربی در موضوع عربهای جوان همفکر بود • جوان های عرب با مجاهدین داخل کابل شدند و تصمیم گرفتند تا در افغانستان باقی بمانند و در آبادی افغانستان سهم گیرند لیکن در نتیجه آغاز جنگهای تنظیمی تعدادی از جوانان عرب به اوطان خود برگشته و تعدادی به چیچیان و بوسینا رفتند •

جوانان عرب که به کشور های شان عودت نمودند مورد استقبال قوای امنیتی واقع شده و تعدادی از جوانان را حبس نمودند تا نشود فکر جهاد را به مناطق تحت تصرف یهود ها انتقال بدهند بدین ترتیب در جهان سیاست قضیه جدیدی بوجود آمد که بنام (عربهای افغان یا بازگشتگان از افغانستان) • عودت کنندگان را بنام تروریست های خطر ناک معرفی نمودند و تعداد زیاد شان زندانی و تعدادی نیز کشته شدند و تعدادی فراری گردیدند •

بمب گذاری نیویورک را ارتباط به دکتور عمر عبدالرحمن دادند و رمزی یوسف متهم اول در قضیه را معرفی نمودند که از افغانستان باز گشته و قرار راپور های دستگاه جاسوسی امریکا بعد از واقعه نیویورک تعداد عربها در افغانستان به دوازده تا پانزده هزار میرسد که همه مخالف نظامهای سیاسی کشور شان و مخالف سیاست امریکا در منطقه اسلامی معرفی شدند •

دولت امریکا در زمان حکومت آقای ربانی کوشش نمود تا مستقیم و یا از طریق اسلام آباد و قاهره عرب های مقیم افغانستان را از افغانستان خارج سازد لیکن کوشش دولت امریکا به نتیجه نرسید زیرا در افغانستان حکومت مرکزی قوی بوجود نیآمد و احزاب جهادی از جوانان عرب حمایت نمودند • مجلس وزرای افغانستان در جلسه فوق العاده خود در سال ۱۹۹۰ بریاست استاد ربانی در قضیه عربها جلسه نمود و راجع به پیشنهاد وزیر داخله انجینر احمد شاه احمدزی که خواهان دادن پاسپورت افغانی برای جوانان

عرب بود به اکثریت مطلق وزراء فیصله شد تا برای جوانان عرب پاسپورت افغانی داده شود• قرار راپور وزیر داخله افغانستان استاد ربانی بعد از عودت خود از قاهره و امضای معاهده با حسنی مبارک حاضر نشد پاسپورت های عربها را بعد از یک سال تجدید نماید • فیصله استاد ربانی اسباب اختلافات را در دولت مجاهدین بار آورد و تنظیم های جهادی هر کدام از عرب ها حمایت نمودند •

جوانان عرب در افغانستان بحیث یک نقطه فشار بین حکومت کابل و حکومات کشور های عربی و غربی استفاده شد و منحیث متاع تجارتی مورد استفاده قرار یافت مثلا حکومت آقای ربانی در مقابل دستگیری عربها از امریکا دعوت نمود تا حکومت وی را تقویت نماید و تعداد پنجاه هلیکوپتر برای کابل بدهد و برای کوماندو های مصر اجازه داده شد در دستگیری عربها داخل خاک افغانستان شوند لیکن همه کوشش ها نتیجه مثبت و رضایت کننده نداشت •

اشاره شد که تعداد عربها بین ۱۲ تا ۱۵ هزار میرسید که در گروپهای مختلف تقسیم میشدند مثل :

۱ ـ گروپ اسامه بن لادن •

۲ ـ گروپ الاسلامبولی •

۳ ـ گروپ رمزی یوسف •

٤ ـ گروپ دکتور عمر عبدالرحمن

۵ ـ گروپ اخوان المسلمین •

۷ ـ گروپ داکتر محمد مصری و محمود العراقی •

گروپ الاسلامبولی و گروپ رمزی و گروپ عمر عبدالرحمن و محمد مصری بنام (الجماعه الاسلامیه) شهرت دارد که تا هنوز حرکت منظم و قوی در بسیاری کشور های عربی میباشد •

حرکت اخوان المسلمین بعد از آغاز جنگهای داخلی از صحنه افغانستان خارج شد و هر قدر کوشش نمود تا بین حرکات جهادی اتحاد رابوجود بیآورند موفق نشدند تا اینکه دفتر خود را در اسلام آباد بسته نمودند و از سیاست جماعت اسلامی پاکستان در حل سیاسی و صلح بین احزاب اسلامی حمایت نمودند •

گروپ اسامه بن لادن که در جهان غرب به مخالفت امریکا شهرت یافته نظر به تبلیغات جهان غرب بسیار شهرت دارد • اسامه شعار خروج قوای امریکا را از سعودی بلند نمود و در نتیجه تابعیت اصلی خود را که سعودی بود از دست داد و از طرف امریکا متهم به بمب گذاری منطقه ریاض که منجر به قتل تعدادی زیادی افسران امریکائی گردید شد و امریکا در طلب گرفتاری وی گردید لیکن وزیر داخله سعودی شهزاده نایف بن عبدالعزیز در مصاحبه مطبوعاتی خود در امارات عربی ارتباط اسامه بن لادن را در بمب گذاری ریاض نفی نمود•

اسامه بن لادن در روزهای اول جهاد به افغانستان رفت و در حزب اسلامی مولوی خالص با مولوی جلال الدین حقانی جهاد را شروع نمود • اسامه صاحب شرکت بزرگ ساختمانی در جزیره عرب است که بنام شرکت ابن لادن شهرت دارد و یکی از سرمایه دار ترین مردان عرب است • خانواده ابن لادن با آل سعود ارتباط قوی داشت و شرکت ابن لادن برای دولت سعودی قرضه میداد •

اسامه سرمایه خود را در خدمت جهاد قرار داد • در سال ۱۹۹۱ اسامه متهم به معشوقه بازی و عشق در افغانستان گردید که در مقابل حاجی دین محمد نائب مولوی خالص از اسامه دفاع نموده اضافه کرد که جای عشق میدان جهاد نبوده بلکه پاریس و لندن و نیویورک میباشد •

اسامه در جریان جهاد در انتخاباتیکه بین جوانان عرب در داخل افغانستان و پاکستان صورت گرفت زیادترین رأی را نسبت به دکتور عمر عبدالرحمن و دکتور عبدالله عضام دریافت کرد و بصفت امیر جهاد مجاهدین عرب در افغانستان انتخاب شد •

در خلال حکومت تنظیم ها بریاست آقای ربانی موضوع عربها بطور عموم و موضوع اسامه غیر قابل حل باقی ماند تا اینکه اسامه به سودان رفت لیکن حکومت سودان در زیر فشار شدید حکومات عربی قرار گرفت و در نتیجه اسامه دوباره به افغانستان برگشت • بر گشت اسامه در جلال آباد زمانی بود که نهضت طالبان در تقدم بودند و زمانیکه شهر جلال آباد سقوط کرد اسامه در آنجا بود •

پیروزی های نهضت اسلامی طالبان را کشور های همسایه و حکومت های عربی و غربی استقبال نمودند و تصور میکردند که نهضت اسلامی طالبان تماما مخالف سیاست احزاب جهادی بوده فکر شان از اسلام غیر فکر نهضت های اسلامی افغانستان است خصوصا که احزاب اسلامی افغانستان حاضر نشدند جوانان عرب را تسلیم نمایند •

امریکا در نتیجه تقدم طالبان و سقوط کابل فورا با قیادت طالبان داخل مذاکره شده و معاون سفیر امریکا در اسلام آباد آقای (جون هولزمان) در ملاقات خود با سفیر حکومت طالبان در اسلام آباد مولوی عبدالوهاب موضوع اسامه را در جریان گذاشت و به سفیر طالبان گفت که : ‹‹ ابن لادن حرکات تروریستی را در جهان حمایت میکند و اضافه کرد که اسامه زیادترین پول را در راه تروریستی به مصرف میرساند • معاون سفیر امریکا به اعلامیه ماه اگست وزارت خارجه دولت خود که می گفت : اسامه بن لادن بزرگترین مصرف کننده در راه پیشرفت حرکات افراطی در جهان است اشاره کرد • ››

لیکن حکومت طالبان تا آنزمان معلومات کافی نسبت به اسامه و دیگر جوانان عرب در افغانستان در اختیار نداشت زیرا اکثریت طالبان در احزاب جهادی اشتراک داشتند که با عربها تماس زیاد نداشتند مثل حرکت انقلاب اسلامی ـ محمدی ، مولوی منصور ـ و حزب مولوی خالص شاخه مولوی جلال الدین حقانی • همین موضوع را سفیر طالبان در اسلام آباد مولوی عبدالوهاب در ملاقاتش با معاون سفیر امریکا اظهار نموده گفت : ‹ حکومت جدید افغانستان به هیچ شخص اجازه نخواهد داد که از خاک افغانستان برای عملیات نظامی و ترور علیه کشور دیگر استفاده کند › و برای اطمینان

امریکا اضافه کرد که : « حکومت طالبان قصد صدور انقلاب را خارج افغانستان ندارد ۰ »

قاهره و واشنگتن مردم جهان را از دستگیری عرب ها توسط طالبان اطمینان دادند و اضافه نمودند که مهندس اسامه بن لادن بین کسانی که توسط طالبان دستگیر شده اند نمی باشد در راپور آمده که اسامه ممکن است قبل از سقوط جلال آباد به سودان یا صومال رفته باشد ۰ از جانب دیگر حکومت امریکا شک نشان میداد که اسامه بعد از سقوط جلال آباد نیز در افغانستان باقی مانده و نزد طالبان میباشد و امریکا در جستجوی وی جهت محکمه در امریکا است و باید طالبان اسامه را تسلیم نمایند ۰

منابع حکومتی پاکستان و منابع افغانی تأکید میکردند که اسامه بن لادن و افراد گروپ رمزی یوسف دو هفته قبل از سقوط جلال آباد از افغانستان خارج شده اند ۰ نماینده قوماندان مسعود در لندن ولی مسعود اعلان کرد که حکومت طالبان برای عرب ها پاسپورتهای افغانی داده تا در سفر شان بخارج سهولت پیش شود ۰ به هر حال حکومت پاکستان خارج شدن اسامه را از افغانستان تأکید کرد در حالیکه حکومت سودان موجودیت اسامه را در خاک سودان تکذیب میکند و دفتر اطلاعات سری انگلستان تأکید دارد که اسامه در داخل افغانستان و مهمان طالبان است ۰

دیلومات المانی بنام «« کنوت دریزیر »» که با اسامه آشنائی نزدیک دارد میگوید که اسامه از افغانستان بتاریخ ۳۱ اکتوبر یعنی قبل از سقوط کابل بدست طالبان خارج شده از اوضاع سیاسی معلوم میشود که امریکا از هر حکومت که در افغانستان باشد تسلیمی جوانان عرب را سئوال حتمی میداند و شناسائی حکومت کابل را مربوط به همکاری آن با غرب میداند ۰

حکومت طالبان نیز از موضوع اطلاع دارند و اهمیت وجود عرب ها را در افغانستان برای جهان غرب و اسرائیل میدانند و رسیدن به اتفاق را با غرب مربوط به شناسائی رسمی نظام خود از طرف غرب میدانند ۰ در ملاقاتیکه بین نماینده سیاسی امریکا

و مولوی عبدالوهاب در ٤ ـ ١٠ ـ ١٩٩٦ در اسلام آباد صورت گرفت مولوی عبدالوهاب برای امریکا اطمینان داد که دولت جدید تمام پایگاه های عرب ها را در افغانستان مسدود نموده و در مقابل تسلیمی شان باید قبلا حکومت طالبان از طرف امریکا به رسمیت شناخته شود و امریکا تعهد نماید که کشور های همسایه افغانستان را اجازه مداخله به سرزمین افغانستان نمیدهد و هم مخالفین طالبان را مساعدت مالی و نظامی نمیکنند • لیکن ناظرین سیاسی نظر داشتند که امریکا انتظار را نسبت به شناسائی رسمی ترجیح میدهد تا نیت واقعی طالبان را بداند زیرا شک وجود دارد که طالبان به خواهش غرب تسلیم نشده برادران مسلمان خود را تسلیم دولت کفر نخواهند کرد •

مصاحبه مطبوعاتی مولوی عبدالوکیل متوکل با مجله عربی المجله چاپ لندن در شکوک غربی ها افزود و متوکل در مصاحبه خود گفته بود که اگر خارجی ها در افغانستان زندگی آرام را در پیش گیرند و از حکومت افغانستان اجازه اقامت را بخواهند ما درخواست شانرا مورد برسی قرار خواهیم داد • مصاحبه متوکل در نارامی غربی ها افزوده و در روابط بین طرفین تأثیر منفی را بجا گذاشت •

ملا محمد عمر اخندزاده رهبر حرکت اسلامی طالبان در مصاحبه خود با مجله المانی بنام فوکس بتاریخ ٣٠ ـ ١٠ ـ ١٩٩٦ گفت که جوانان عرب مقیم در افغانستان قبلا از حکومت مجاهدین پناهندگی خواسته بودند و درخواست شان برای پناهندگی قبول شده بود و حکومت طالبان قوانین پناهندگی را احترام میکند • آخند زاده محمد عمر اضافه کرد که عرب ها نیز باید قوانین افغانستان را احترام نمایند در غیر آن شدیدترین جزا را خواهند دیدند • مصاحبه آخند زاده و مصاحبه متوکل سبب شد که امریکا و کشور های غربی در مورد شناسائی رسمی حکومت جدید کابل انتظار بکشند و در زمینه عجله نکنند •

جبهه متحد شمال که بعد از شکست حکومت پروفیسر برهان الدین ربانی در مزار شریف تشکیل شده بود خواست از موضوع عرب ها در افغانستان خصوصا عربهای که

در مناطق نفوذ طالبان قرار دارند استفاده سیاسی نماید • مرحوم غفورزی صدراعظم جبهه متحد شمال در ملاقاتش با سرمنشی ملل متحد آقای دکتور بطرس غالی لست ۲۲ تن از جوانان عرب را تسلیم نمود و مرحوم غفور زی اضافه کرد که حکومت وی لست اسامی باقی عرب ها را به سر منشی ملل متحد تسلیم خواهد نمود • عمل حکومت شمال را جوانان نهضت اسلامی افغانستان چه در جمعیت و چه در حزب اسلامی و حزب مولوی خالص و اتحاد اسلامی استاد سیاف تقبیح نمودند که ما نتائج آنرا در شکستهای جبهه متحد در شمال ملاحظه نمودیم •

نزدیکی سیاست دولت آقای ربانی در شمال با جهان غرب و خصوصا امریکا و وعده همکاری بجهت دستگیری جوانان عرب به نفع سیاست داخلی و خارجی حکومت پروفیسر ربانی تمام نشد • از ناحیه سیاسی چنانچه (ستیفن ماسدی) متخصص در شئون افغانستان و جنوب آسیا که مدت ده سال در افغانستان وظیفه داشت و کتابی بنام افغانستان نیز تألیف نموده که شاید تا حال به چاپ رسیده باشد در موضوع عرب ها و موقف غرب از حکومت ربانی می نویسدکه حکومت امریکا راجع به عرب های مقیم افغانستان که بقول وی تروروست اند از حکومت آقای ربانی و آقای حکمت یار راضی نیست و بر عکس آقای ربانی و حکمت یار در حفظ روابط شان با نهضت های اسلامی جهانی افتخار دارند و اجازه ندادندکه در مورد موجودیت جوانان عرب در افغانستان تحقیقات صورت گیرد • استیفن اضافه میکند که در کابل بودم و مشاهده نمودم که دکتور حسن الترابی زعیم حرکت مسلمانان سودان و تعداد از زعمای اخوان المسلمین با آقای ربانی و آقای حکمت یار ملاقات میکردند •

استیفن می گوید که افغانستان در سابق برای ما یعنی امریکا بخاطر کمونیزم اهمیت داشت لیکن امروز بخاطر اهمیت دارد که مرکز تروروست ها است •

دولت امریکا بعد از شکست نظام کمونیزم امور افغانستان را به دوستان خود در منطقه و بخصوص پاکستان سپرده بود لیکن در اواخر سال ۱۹۹۶ یکبار دیگر افغانستان برای

امریکا اهمیت خاص پیدا نمود و حکومت امریکا افغانستان را مرکز تربیه تروریست معرفی نموده و آنرا خطر بزرگ برای امنیت امریکا دانست • اهمیت موقف افغانستان و موجودیت عناصری از جوانان عرب مخالف سیاست امریکا در منطقه سبب شد تا اداره دولت آقای کلنتون کمیته خاص را برای افغانستان تعیین کند •

فشار های سیاسی امریکا وکشور های غربی و عربی بالای حکومت طالبان نتائج مثبت را نداد و طالبان در موقف خود نسبت به عرب ها و خصوصا اسامه بن لادن ثابت قدم ماندند و به در خواست امریکا مبنی به تسلیمی جوانان عرب و اسامه توجه نکردند • در مقابل دولت امریکا خواست تا فشار سیاسی بیشتر بالای طالبان واردکند و طالبان را متهم به همکاری با تروریستها نمود •

منابع دپلوماتیک غربی میگویند که حرکت طالبان مراکز جدید عسکری در نزدیک ولایت هرات برای جوانان عرب باز نموده که تعداد هزار جوان عرب در آنجا تربیه عسکری میشوند • مجله (دیر شپیگل) المانی در شماره مؤرخه ٢٨ _ ١٠ _ ١٩٩٦ خود نوشت که مصارف این پایگاه نظامی را اسامه بن لادن میپردازد و اسامه بن لادن قوماندان پایگاه نظامی میباشد • مجله اضافه میکند که جوانان عرب که هر روز تعداد شان بیشتر میشود در فرقه آزادی نزدیک هرات جمع میشوند و مجله راپور مفصل از قول اداره جاسوسی روسیه نسبت به اسامه نشر نموده که برای معلومات بیشتر به آن مراجعت شود •

موضوع جوانان عرب و خصوصا گروپ اسامه بن لادن در سیاست ولایت متحده امریکا اهمیت اول را دارد • عدم قبول حکومت طالبان به درخواست امریکا در تشنج اوضاع افزود و تعداد کشور های دیگر نیز بجانب امریکا علیه اسامه بن لادن و طالبان داخل اقدامات سیاسی و حتی نظامی شدند •

امریکا افغانستان و سودان را متهم به حمایت ترور نمود و بمب گذاری سفارتخانه خود در کینیا و تانزانیا را به گردن اسامه انداخت که در اثر آن ٢٥٠ نفر کشته شدند •

جای شک نیست که عملیات بمب گذاری را همه مسلمانان رد میکننند و آنرا مخالف تعلیمات اسلام میدانند و حتی اسامه نیز نقش خود را تکذیب نمود لیکن امریکا دلائلی دارد که اسامه اگر دست مستقیم نداشت نقش دوم را حتما داشت •

مقامات قضائی امریکا اسامه را در ۲۳۸ مورد متهم ساخت و برای دستگیری وی و معاونش محمد الهاتف مبلغ پنج ملیون دالر جائزه گذاشت • در راپور اداره قضائی امریکا آمده که هیئت منصفه فدرال در منهاتن امروز در مورد یک پرونده جدید ۲۳۸ فقره یی اعلام جرم تصمیم گرفت • بر اساس این پرونده جدید اسامه بن لادن که ادعا میشود امیر یا رهبر سازمان بین المللی تروریستی القاعده است و محمد هاتف که ادعا میشود یک فرمانده نظامی سازمان مذکور است هر دو به بمب گذاری در سفارتخانه های امریکا در هفتم اگست ۱۹۹۸ و در نتیجه به قتل حد اقل ۲۳٤ نفر متهم شده اند •

اتهامات رسمی امریکا علیه ابن لادن در حقیقت فشار تازه و شدید علیه حکومت طالبان میباشد • دولت طالبان تمام اتهامات محکمه امریکا را علیه ابن لادن رد نموده و اضافه کرد که دولت امریکا نتوانست در مورد اتهامات وارده علیه اسامه حکومت طالبان را قناعت بدهد و ریاست عالی قضائی دولت افغانستان دوسیه اسامه را که دولت امریکا تقدیم نموده بود برسی نموده حکم به برأت اسامه صادر نمود • ریاست عالی قضائی افغانستان در جلسه اخیرش دوسیه اسامه را بسته و قضیه ویرا حل شده اعلان نمود •

کوشش های امریکا برای دستگیری اسامه از راه پاکستان به نتیجه نرسید بالاخره امریکا تصمیم گرفت تا عملیات نظامی علیه افغانستان و سودان انجام بدهد که عملیات نظامی نیز چندان نتیجه مثبت نداده بر عکس در غضب جوانان مسلمان عرب علیه امریکا در منطقه خلیج افزود • و همچنان ملت افغانستان علیه حملات امریکا قیام نمودند در حالیکه جبهه شمال حملات قوای امریکا را بخاک افغانستان کافی ندانستند و دکتور روان فرهادی نماینده دولت افغانستان امریکا را شدیدا مورد انتقاد قرار داده

اضافه کرد که باید حملات شدیدتر و قویتر میبود ۰
بعد از حمله نظامی به خاک افغانستان که از نظر استراتیژیکی حربی ممتاز بود دولت امریکا مکتوب به دولت طالبان عنوانی رهبر طالبان ملا محمد عمر به سفارت اسلام آباد تسلیم نمود ۰ اگر چه تا حال مضمون مکتوب دولت امریکا واضح نشده لیکن شنیده شد که بسیار شدید بود و امریکا از حمله جدید بالای قندهار طالبان را هوشدار داده بود ۰ اخبار غیر رسمی میگوید که اسامه بن لادن نیز مکتوب امریکا را مطالعه نمود و در نتیجه فیصله نمود که خاک افغانستان را به جهت نا معلوم ترک کند ۰ در قندهار اعلان شد که اسامه مفقود شده و داخل قلمرو حکومت طالبان نمی باشد ۰ مفقود شدن اسامه را بدین ترتیب امریکا و جهان غرب نمی توانند قبول نمایند و جای تعجب است که چطور شخصیت مهم بدون اطلاع قبلی مفقود شد که روزهای بعدی پرده از این اسرار خواهد برداشت و چیزیکه مهم است آن است که امریکا خواهان معلومات تازه نسبت به اسامه از حکومت طالبان خواهد شد ۰ قصه عربها در افغانستان بشکل تراژدی دارد آهسته آهسته خاتمه پیدا میکند و نتیجه جهاد و مجاهدین عرب طوریکه لازم بود خاتمه نیافت و آنچه دشمنان اسلام نقشه کرده بودند موفق شدند و جوانان مجاهد عرب به زندانهای فرستاده شدند و بصفت تروریست های بین المللی در جهان غرب و شرق معرفی شدند ۰

سوم ـ مواد مخدره :

مواد مخدره یکی از مشکلات مهم و اساسی جهان بحساب میآید ۰ در بسیاری کشور ها سیاست مبارزه با مواد مخدره در رأس سیاست اولیه دولت بحساب میآید لیکن با تمام کوشش ها حتی کشور های متمدن و پیشرفته جهان نیز در مبارزه با مواد مخدره ناکام اند ۰ حکومات جهان بالاخره باین نتیجه رسیدندکه وسیله فعال برای مبارزه با مواد مخدره از بین بردن مزارع آن میباشد ۰

کشت و تجارت مواد مخدره در افغانستان اسباب پریشانی جهانیان را بوجود آورده و قرار راپور های ملل متحد افغانستان سالانه بیست تن هیروین خالص به جامعه انسانی تقدیم میکند • اداره مبارزه با مواد مخدره امریکا در اخرین راپور خود که به چاپ رسیده نشان میدهد که افغانستان هفتاد و پنج فیصد مواد مخدر را در جهان سالانه تولید می کند • راپور اضافه میکند که اگر در افغانستان حکومت مستقر و قوی بوجود نیآید مبارزه با زراعت و تجارت مواد مخدره نا ممکن بوده و نتیجه مثبتی نخواهد داشت • در راپور اشاره شده که ولایت متحده امریکا در موضوع مواد مخدره باساس امنیت ملی و قومی خود رفتار میکند •

زراعت و تجارت مواد مخدره در افغانستان تازه و جدید نیست و تجارت آن منحصر و مربوط به تجار افغانی نمیباشد بلکه در تجارت و صناعت مواد مخدره در افغانستان مؤسسات بین المللی دست وافر دارند • عدم بوجود آمدن حکومت مرکزی قوی سبب شد تا حکومات سابقه در افغانستان موفق به مبارزه علیه مواد مخدره نشوند •

طالبان با رسیدن به کابل صدای مبارزه با مواد مخدره را بلند نمودند و در مقابل کشور های غربی از نیت و سیاست جدید طالبان استقبال نموده به طالبان نزدیک شدند • در هفته اول تأسیس حکومت در کابل توسط طالبان سخنگوی وزارت خارجه امریکا اظهار نمود که اگر چه طالبان علاقه به تمدن و عصری بودن ندارند لیکن ضد ما نیستند بدین لحاظ ما می خواهیم با طالبان نزدیک شویم •

تأخیر برسمیت شناختن دولت امریکا از حکومت طالبان را میتوان در مشکلات طرفین نسبت به قضیه عربهای افغان و آزادی طبقه نسوان و مواد مخدره دانست • در خلال ایام در عوض نزدیکی بین طرفین مسافه دور تر و روابط تیره تر شد • آقای کلنتون در انتخابات مرحله دوم خود احتیاج به کسب رأی طبقه زنان امریکا داشت لهذا نخواست حکومت طالبان را برسمیت بشناسد •

عدم شناسائی طالبان از طرف امریکا اسباب نا راحتی طالبان را بوجود آورد و باید

عکس العمل از خود نشان میدادند. اخند زاده ملا محمد عمر در مصاحبه خود راجع به مواد مخدره گفت که دولت طالبان از مبارزه با زراعت مواد مخدره حمایت نمیکند زیرا ملیونها شخص اقتصاد شان متضرر میگردد • وی اضافه کرد که در قدم اول باید طبقه دهقانان افغانستان تقویت مالی شوند و دولت باید برای شان مساعدت مالی قبل از مبارزه با کشت مواد مخدره نماید تا اقتصاد جدید غیر از زراعت مواد مخدره بوجود آید • ملا محمد عمر اضافه نمود که مواد مخدره در داخل افغانستان حرام بوده مرتکب آن جزای سنگین خواهد دید •

نسبت جنگ های داخلی و فقر شدید باشندگان افغانستان از یک ناحیه و عدم ثبات سیاسی و مداخلات تجار مواد مخدره افغانستان تا هنوز قادر به منع زراعت و تجارت این ماده خطر ناک نگردید در حالیکه در نزد امام ابن تیمیه رضی الله عنه چرس و هیروین مانند شراب حرام مطلق است و باید مانند شراب جزا تعیین شود • یگانه راه مبارزه با مواد مخدره بهبود اوضاع اقتصادی کشور افغانستان میباشدزیرا کنترول حکومت هر چه هم شدید باشد در حالت فقر و نا توانی ملت نتیجه مثبت نخواهد داد.

چهارم - پترول :

پترول به حیث ماده مهم اقتصادی و استراتیجی برای جهان غرب دارای اهمیت مهم میباشد که جهان غرب در راه حفظ آن وحمایت وصول آن از منابع آن کوشیده هر علت که سبب اغلاق آن بروی غرب شود غرب آنرا از سر راه خواهد برداشت •

برای کشور های غربی و امریکا معلوم است که در آینده دور یا نزدیک ممکن در منطقه خلیج تحولاتی رخ دهد که بنفع جهان غرب نباشد و ناظرین سیاسی اعتقاد دارند که منطقه خلیج عربی در حالت عدم استقرار سیاسی است و تا هنوز ایران و عراق منطقه را تهدید میکند • ظهور حرکات سیاسی مخالف سیاست و نفوذ امریکا در منطقه و حمایت امریکا از اسرائیل و سکوت جهان غرب در مقابل ترور اسرائیل اسباب عدم

اعتماد جهان عرب را نسبت به غرب و امریکا بار آورده و غرب این موضوع را درک نموده در انتظار روزی است که ممکن پترول عرب به جهان غرب نرسد چنانچه در ۶ اکتوبر ۱۹۷۳ رخ داد و قطع پترول اسباب نا رامی و بی امنیتی را برای جهان غرب بار آورد ٠

عدم ثبات سیاسی و انتشار حرکات اسلامی در منطقه عربی و عدم روشنی در سیاست ایران و رسیدن نهضت اسلامی ترکیه بکرسی قدرت در ترکیه همه زنگ خطر برای جهان غرب است ٠ در روشنی تحولات ذکر شده در جهان عربی برای غرب وامریکا یکبار دیگر افغانستان اهمیت استراتیژیکی یافت ٠ نزدیکی افغانستان به جنوب جمهوریت های آسیائی دومین مصدر و منبع پترول و گاز و ذغال سنگ در جهان و اهمیت افغانستان برای نقل آن که کمترین فاصله از منابع پترول و اروپا است در اهمیت استراتیژیکی افغانستان افزود٠

انتقال پترول از طریق افغانستان از ناحیه سیاسی ضربت قوی برای سیاست ایران بحساب میآید که غرب نیت ضربت سیاسی و اقتصادی را برای ایران دارد ٠

سیاست غیر ثابت ایران در قبال غرب و ترس ازدیاد حرکات ردیکال در ایران از پریشانی غرب کم نساخت ٠ رسیدن آقای خاتمی بریاست دولت ایران با افکار معتدل نتوانست اعتماد غرب را نسبت به ایران بدست بیآورد ٠ غرب از موجود بودن اسلحه اتمی در ایران خوف زیاد دارد و آنرا ضد منافع سیاسی و اقتصادی خود میداند ٠ از جانب دیگر خریداری راکتهای جدید از کوریا توسط ایران که گفته میشود امنیت اسرائیل را به مخاطره انداخته خطر آن میرود که اسرائیل یک حمله نظامی بالای مناطق نظامی ایران نماید که در این صورت دشمنی ایران نسبت به غرب بیشتر خواهد شد ٠

ر ناحیه اقتصادی تحقیقات علمی ثابت میسازد که نظر به مصرف داخلی ایران و عدم موجودیت ذخایر زیاد پترول در ایران ممکن است ایران به کشور وارد کننده پترول درآید ٠

ایران نیز برای مصارف داخلی اش و هم از بابت ترانزیت و هم از جهت تهدید سیاسی چشم به منابع پترول آسیائی روسیه سابقه دارد و حاضر نیست خط انتقال پترول از خاک افغانستان بگذرد برای تحقیق این هدف ایران جنگ را در افغانستان میخواهد و طول آنرا به نفع سیاسی و اقتصادی خود میداند ۰ ایران مخالف توحید افغانستان و تشکیل حکومت مرکزی قوی در کابل است ۰ اگر چه ایران تا یک زمان از توحید افغانستان و اقامت دولت مرکزی جلوگیری توانست لیکن شکست های نظامی زیادی را با مصارف اقتصادی متحمل شد ولی در سیاست خود نسبت به پترول تا اندازه موفق است و ممکن خط پترول از افغانستان نظر به سیاست طالبان نگذرد و افغانستان از منافع اقتصادی محروم شود ۰

اهمیت پترول کشور های اسلامی سابق تابع اتحاد شوروی و انتقال آن به غرب به اهمیت افغانستان افزود و غرب متوجه شد تا این راه تجارتی را از خطرات آینده محفوظ نگهدارد و عناصر ضد غرب را از ساحه سیاسی افغانستان دور بسازد همان بود که شرکت های بین المللی پترول از سیاست طالبان حمایت نمودند۰ امریکا از تجربه خود با احزاب جهادی سابق خواهان عودت ایشان به کرسی حکومت در افغانستان نیست و همیشه مامورین عالیرتبه امریکا اظهار میکنند که پول و اسلحه امریکا علیه خود امریکا در افغانستان مصرف گردید ۰ امریکا برای امنیت راه ترانزیت پترول از حکومت مشترک در افغانستان حمایت میکند و همین سیاست امریکا سبب شده که در شناسائی رسمی حکومت طالبان تأخیر پیش شود ۰

پاکستان در موضوع پترول کشور های آسیا انتظار منفعت زیاد اقتصادی را دارد و میخواهد پترول از طریق بندر های پاکستان به جهان غرب صادر شود ۰ پاکستان در افغانستان حکومت مرکزی قوی و دوست را میخواهد و همیشه از نظام فیدرالی در افغانستان مخالفت میکند ۰ پاکستان حکومت آقای ربانی را ضد منافع ۰ود میدانست و آقای ربانی باید درک میکرد که منافع اقتصادی و سیاسی افغانستان در یک مرحله با

پاکستان میباشد زیرا در حدود چهار ملیون مهاجر افغان تا هنوز در پاکستان اند و بین افغانان و پاکستان علایق اقتصادی زیادی قائم است که نمی شود بزودی بدان خاتمه داد ٠

همین بازی ها سیاسی و منافع اقتصادی و عدم حکومت مرکزی قوی و دلسوز در کابل اسباب جنگهای شدید را در افغانستان فراهم آورد که تا هنوز ملت افغانستان در آتش آن میسوزد و باید پاکستان و ایران بدانند که آتش افغانستان کشور های همسایه را نیز زیر شعاع خود خواهد گرفت ٠

در شمال کشور دولت تاجکستان احتیاج شدید به غرب دارد و افغانستان میتواند بین تاجکستان و غرب پل اقتصادی باشد لیکن حکومت دست نشانده تاجکستان از مبارزان مسلمان تاجک خوف زیاد دارد خصوصا که بین مجاهدین تاجکستان و نهضت طالبان دوستی و برادری زیادی موجود است ٠

ترکمنستان طرف دیگر قضیه و منبع اصلی پترول است ٠ دولت ترکمنستان روابط وسیع و ممتاز با طالبان دارد و امنیت و استقرار سیاسی و دولت مرکزی را در افغانستان بنفع اقتصادی خود میداند ٠ حکومت ترکمنستان برای اینکه روابط خود را با اداره طالبان خراب نسازد به دعوت یلتسن در تشکیل جبهه متحد علیه طالبان لبیک نگفت ٠ اگر چه رئیس دولت ترکمنستان آقای صفر مراد نیازوف در آنزمان در نیویارک بود لیکن حاضر نشد نماینده خود را در کنفرانس الماآتا بفرستد تا نشود روابط دولتش با اداره طالبان متضرر گردد ٠

در مقابل حق افغانستان از منافع عبور پترول از اراضی افغانستان کشور های غربی و امریکا از زعمای افغانستان انتظار دارند تا بصفت یک کشور دوست برای غرب باقی بماند و از سیاست غرب در منطقه حمایت شود و برای غرب مهم نیست که حکومت کابل را کی تشکیل میدهد لیکن مهم برای غرب است تا راه تجارت بدون خطر باشد و عناصر ضد غرب در افغانستان حق اقامت را نداشته باشند ٠ دیده شود که دولت

طالبان به درخواست غرب چه وقت جواب میدهد و جای شک نیست که منافع در جهان امروز متبادل است و باید افغانستان در مقابل منافع سیاسی و اقتصادی برای خود منافع دیگران را نیز نا دیده نگیرد بشرطیکه شروط غرب منافی عقیده و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی افغانستان نباشد ٠

پنجم ـ اسلحه :

((در افغانستان بعد از خارج شدن روسها به قیمت سی ملیارد دالر اسلحه موجود بود)) ٠

موجودیت اسلحه و آنهم بسیار زیاد در کشوریکه عناصر متعدد و مختلف با عقائد و ایدلوژی های متفاوت سیاسی و برداشت متفاوت از نظام سیاسی اسلام داخل مبارزه سیاسی علیه یک دیگر اند و همچنان موجودیت جوانان مبارز غیر افغان و در حالت جنگ با نظامهای سیاسی شان اسباب اندیشه را برای کشور های همسایه و مسلمان و غیر مسلمان بوجود آورد ٠

موجودیت اسلحه جدید تحت تصرف نهضت اسلامی جای شک نیست که موجودیت دولت نام نهاد یهود را به خطر میآندازد و همچنان موجودیت قوای نظامی هندوستان را در کشمیر به مخاطره خواهد انداخت ٠ اسلحه که در افغانستان موجود بود برای آزادی سرزمین های اسلامی در شرق و غرب کافی بود لیکن متأسفانه برای تخریب افغانستان بمصرف رسید ٠

برای غرب و خصوصا امریکا جای تشویش بود خصوصا که احزاب اسلامی حاضر نشدند راکتهای استنگر را که هدیه امریکا برای مجاهدین بود به امریکا تسلیم نمایند٠ امریکا حاضر بود تا راکتها را از افغانها در مقابل پول بدست بیآورد لیکن بودند کشورهانیکه نسبت به قیمت امریکا زیادتر تقدیم مینمودند ٠ در جنگ بین عراق و ایران ملاحظه شد که ایرانی ها از اسلحه ساخت مصر استفاده میکنند و معلوم شد که

اسلحه مصر برای مجاهدین فرستاده شده بود • مولوی خالص برای مصری ها توضیح داد که اسلحه را مقامات ایرانی در وقت عبور آن به مناطق غربی افغانستان به غارت برده اند لیکن سخنان مولوی خالص رضایت و قناعت جهان غرب را بدست نیآورد •

در یکی از کشور های خلیج سفیر امریکا در اثنای رسم و گذشت عسکری اسلحه امریکائی را مشاهده کرد که برای افغانستان فرستاده شده بودو در آنزمان در جراند موضوع بنشر رسیده بود که بنده در جریده امید آنرا توضیح داده بودم •

منابع اسلحه در افغانستان متنوع و متعدد بود • روسها تعداد زیادی از بهترین اسلحه خود را در افغانستان آورده بودند که در وقت خارج شدن قسمت زیادی را برای حکومت دست نشانده خود تقدیم نمود •

در جریان جهاد امریکا اسلحه زیاد برای مجاهدین فرستاد و همچنان دولت مصر در ارسال اسلحه از سخاوت زیاد کار گرفت • در جریان سفر هیئت مجاهدین به قاهره بدعوت مرحوم محمد انور السادات که من نیز در جمله هیئت افغانی بودم وزارت حربیه مصر تمام اسلحه ساخت مصر را در معرض هیئت مجاهدین قرار داده وعده داد که هر نوع اسلحه ضرورت مجاهدین باشد از راه پاکستان ارسال خواهد شد در اسلحه های مصر مهر دولت مصر موجود بود •

چین نیز در ارسال اسلحه به افغانستان سهم فعال داشت • موضوع اسلحه چین در کنفرانس قاهره مورد بحث قرار گرفت • هئیت جمعیت اسلامی افغانستان در خارج کنفرانس به سخنان حضرت صاحب صبغت الله مجددی نسبت به شخص السادات اعتراض شدید نمود و اضافه کرد که السادات مسلمانان را در مصر بقتل میرساند و نباید رئیس هئیت افغانستان حضرت صاحب از انور السادات تشکر میکرد در جواب مرحوم گلاب الدین ننگرهاری به اسلحه هدیه چین اشاره کرد و گفت که زیادترین اسلحه چین را تنظیم های جوانان دریافت میدارند در حالیکه چین دولت کفر است و مسلمانان را بقتل میرساند •

احزاب جهادی نیز در خریداری اسلحه از دنیا کوشش زیاد نمودند و اسلحه از اسپانیا توسط تجار غیر قانونی فروش اسلحه خریداری میشد که البته پول آنرا مقامات خارجی میپرداختند • بعضی تنظیم های جهادی پول اسلحه را از نهضتهای اسلامی جهان عرب بدست میآوردند • قرار اظهارات بعضی مسؤلین جهادی در بعضی اوقات تجار اسلحه پول را گرفته اسلحه را نمی دادند • قراریکه مسئول خریداری اسلحه از اسپانیا برایم بطور شخصی معلومات داد در خریداری اسلحه از اسپانیا یکی از تجار اردنی و یک تن از اعضای اخوان همکاری می نمودند • لیکن شخص که این حکایت را کرد اضافه کرد که پولیس سری اسپانیا و وزارت خارجه آن کوشش داشتند که ما جریان را برای اداره جاسوسی امریکا اطلاع بدهیم که ما موافقه نکرده در خریداری اسلحه از اسپانیا صرف نظر شد لیکن مبالغ زیادیکه به چهار صد هزار دالر امریکائی میرسید نتیجه عدم همکاری با اداره جاسوسی امریکا و اسپانیا تلف گردید • شخص مسئول خریداری اسلحه از اسپانیا اظهار کرد که هیئت افغانی برای مقامات امنیتی اسپانیا گفت که سفارت امریکا میتواند در اسلام آباد با مقامات مجاهدین تماس گرفته در موضوع • طالب معلومات شوند •

در افغانستان چنانچه اشاره شد اسلحه به مقدار زیاد موجود بود • مقامات عالی رتبه حکومت پاکستان خصوصا وزیر داخله آنکشور جنرال بابر در مصاحبه خود با مجله ‹‹ الوطن الکویتیه مؤرخه ۹ _ ۳ _ ۱۹۹۵ ›› گفت که پاکستان با کشوری همسایه است که بحیث مخزن اسلحه تبدیل گردیده • اسلحه از تفنگچه تا راکت تا طیاره جت و این اسلحه بدست اشخاص و احزاب مختلف در حالت نزاع و جنگ افتاده و هیچ طرف قادر به جمع اسلحه شده نمی تواند که این وضعیت امنیت داخلی پاکستان را مختل خواهد ساخت • بابر اضافه کرد که : ‹‹ میدانید که ما با کشوری معامله داریم که بعد از جنگ طویل خارج شده و اسلحه که در افغانستان موجود است بقیمت ۳۰ ملیارد دالر میباشد که ده ملیارد آنرا غرب پرداخته ، و حال باید افغانستان از این اسلحه پاک

شود›› ٠

موجودیت اسلحه را در افغانستان نه کشور های همسایه قبول داشتند ونه جهان غرب پس همه با هم متفق بودند که اسلحه یا جمع آوری شود و یا در داخل خود افغانستان بمصرف برسد که از بخت نیک شان اسلحه بدست افرادی غیر مسئول و غیر مخلص بوطن افتاد و قدر سرمایه ملی را ندانستند و در حفظ سرمایه ملی کوشش نکردند و به اشاره دشمنان اسلام که در بین تنظیم های جهادی جا گرفته بودند زیادترین اسلحه را در خاک افغانستان مدفون و با اسلحه جسد هزاران جوان را نیز بخاک سپردند ٠

در جنگها بین جنرال دوستم و بعضی احزاب جهادی تعداد راکتها که فیر شده بود به ۲٦۱ راکت حساب داده شد ٠ در جنگها بین حزب وحدت و اتحاد اسلامی و جمعیت اسلامی و حزب اسلامی و جمعیت اسلامی و دوستم و بالاخره بین همه و طالبان سی ملیارد سرمایه که عبارت از اسلحه بود و سی ملیارد آبادی افغانستان و هزارها جوان خود را افغانستان از دست داد ٠

دوام جنگ بین افغانها را کشور های خارجی تقویت میکنند خصوصا موسکو و هندوستان و متأسفانه ملت افغانستان و احزاب جهادی از جریان یا بی خبر اند و یا اصلا برای موسکو و هندوستان و دشمنان اسلام کار میکنند ٠

اسلحه که سی ملیارد دالر تخمین شده بود در جنگهای چند سال تمام شد و حال اطراف داخل جنگ اسلحه جدید را وارد میکنند ٠ قراریکه یکی از ارکان عالی رتبه جبهه شمال برایم معلومات داد امروز جبهه شمال اسلحه را بقیمت بسیار سنگین از ارمنستان و روسیه البته قراریکه توضیح داد از بازار سیاه خریداری میکند که پول آن قبل از تسلیمی به دالر پرداخته میشود که اگر اوضاع به همین طور ادامه یابد اقتصاد ایران نیز بصفر خواهد رسید - قرار اظهار شخصیت قیادی در شمال - ٠ در مقابل حرکت طالبان نیز تمام اسلحه را از اطراف داخل جنگ جمع آوری نموده و برای فتوحات جدید خود به اسلحه و ذخیره جدید احتیاج خواهد داشت که باید همه

اطراف بدانند که داشتن اسلحه راه حل قضیه وطن ما نیست و باید بدانند که اسلحه و جوانان افغانستان و زنان و اطفال افغانستان سرمایه ملی افغانستان است و نباید زیادتر از این به فرمایشات جهان در تخریب اسلام و افغانستان ساعی باشند ٠

اسلحه که در افغانستان بود طوریکه پلان سنجیده شده بود داخل افغانستان دفن شد و همسایه ها و جهان غرب از مصیبت آن راحت شدند و لیکن با ختم اسلحه حب تسلط جوئی احزاب و مداخلات خارجی ها خاتمه نیافت دیده شود که آینده چطور رسم شده و برای افغانستان چه پلانهای دیگر روی کار است ٠

کشور های همسایه و قضیه افغانستان :

اول ـ روسیه :

شوروی که در خاک افغانستان از قدیم الزمان چشم دوخته بود بالاخره بدعوت غلامان و پیروان عقیده الحاد خود داخل افغانستان گردید لیکن بالاخره دانست که عقیده و ایمان و حب وطن که افراد ملت افغانستان دارند بسیار قویتر از قوای سرخ روسی است •

شکست نظامی شوروی نهایت امپراطوری الحاد در جهان بود و جهان آزاد از شکست شوروی نفس آرام کشیدند •

با تمام اختلافات که بین روسیه و جهان غرب موجود است روسیه در بسیاری نقاط با سیاست غرب نسبت به قضیه افغانستان اتفاق کامل دارد • هر دو طرف حکومت باساس عقیده اسلامی را خطر برای امنیت خود میدانند • روسیه افغانستان را بدست عناصر اسلامی غیر قابل قبول برای آینده سیاسی و نظامی خود در منطقه میداند و برای عدم رسیدن عناصر اسلامی به حکومت کابل سعی بشری ، اقتصدی و سیاسی خود را ادامه خواهد داد •

روسیه از واقعات داخلی افغانستان و کشمکش های احزاب در افغانستان و علاقه غرب نسبت به افغانستان بی معلومات نیست لیکن نظر به مشکلات داخلی خود قادر به طرز العمل مستقیم نیست • روسیه از فعالیت های شرکتهای غربی در مناطق زیر نفوذ خود شک دارد خصوصا بعد از ازدیاد فعالیتهای مجاهدین اسلام در تاجکستان و ارتباط ایشان اولا با حکومت مجاهدین و بعد از آن با حکومت طالبان خصوصا بعد از اینکه طالبان حمایت خود را از مجاهدین تاجک اعلان نمودند و معاهده حکومت ربانی را با روسیه که در آن حکومت آقای ربانی وعده داده بود که مسلمانان تاجک را از افغانستان بیرون میکند و برای شان اجازه نمیدهد از خاک افغانستان علیه روسیه عملیات نظامی

نمایند رد نمودند اسباب شک را در روسیه نسبت به طالبان زیاد ساخت •
روسیه می خواهد حکومت کابل از دوستان روسیه باشد و یا حد اقل دوستان روسیه در آن داخل باشند تا منافع روسیه در افغانستان حفظ شود • بعد از اینکه روسها نتوانستند در حکومت کابل نقش مهم را داشته باشند متوجه گردیدند که نباید حکومت کابل کاملا ضد روسیه باشد و اسباب مشکلات نظامی و سیاسی را برای روسیه و متحدین اش خلق نمایند • روسها از سیاست حکومت آقای ربانی نسبت بخود راضی بودند زیرا حکومت مجاهدین قبل از تصفیه حساب با روسیه و طلب خسارات جنگ و آزادی زندانیان افغان با روسیه روابط سیاسی را بسویه سفارت افتتاح نمود که این عمل در تقویت معنوی دولت روسیه افزود و از جانب دیگر پول افغانی با پول روسی ارتباط یافت و روسیه برای کابل پول چاپ میکرد و تا هنوز این کار را میکند •
طبق معاهده ۱۹۹۲ مسکو به متحدین خود وعده داده بود که در حمایت شان از خطر مجاهدین مسلمان که در افغانستان اقامت دارند بذل مساعی میکند برای این منظور مسکو ۲۵ هزار عسکر را در سرحدات افغانستان با تاجکستان مستقر نمود و مناطق داخل افغانستان را بمباردمان نمود • مسکو در معاهده که با حکومت آقای ربانی در کابل بامضاء رسانید در آن کابل وعده داد که برای مخالفین حکومت تاجکستان اجازه فعالیت را از خاک افغانستان نمیدهد که در نتیجه آن مجاهدین به حرکت طالبان نزدیک شده گمشده خود را در وجود طالبان یافتند •
بعد از سقوط کابل بدست طالبان خوف روسیه نسبت به آینده اش برای حفظ سرحدات جنوبی اش با افغانستان زیاد شد • خوف روسیه از انتشار نفوذ حکومت جدید کابل بقیادت طالبان در جمهوریت تاجکستان روز بروز افزایش یافت و روسیه برای حمایت سرحدات تاجکستان با افغانستان عساکر تازه نفس فرستاد • جنرال الکسندر لیبید اعلان نمود که حکومت مسکو از حکومت مخلوع آقای ربانی حمایت خواهد نمود تا جلو پیشرفت طالبان را در شمال افغانستان بگیرد •

جنرال لیبید اضافه کرد که اداره جاسوسی روسیه معلومات کافی دارد که بین مبارزین تاجکستان و طالبان همکاری موجود است و همین همکاری بین طرفین اسباب سقوط حکومت علی رحمانوف را آماده میسازد • لیکن زعمای مجاهدین تاجک گفتار لیبید را غیر واقعی تعریف کرده آنرا مغرضانه توصیف کردند •

روسیه حکومت مرکزی را در افغانستان حمایت نمیکند و از ازدیاد قوت همپیمان شان جنرال دوستم بسیار راضی بود و امید داشت که دوستم در حمایت سرحدات روسیه از خطر حملات تاجک ها خواهد کوشید لیکن در اثر سقوط کابل و عدم رسیدن کمک فوری برای نجات کابل روسیه متوجه خطر حقیقی شد و فورا یلتسن از تمام کشور های مشترک المنافع مربوط مسکو دعوت نمود تا در الماآتا اجتماع نمایند • در کنفرانس الماآتا در قزاقستان رئیس دولت قزاق آقای نور سلطان باییف تقویت و حمایت عناصر ضد طالبان را پیشنهاد نمود و اضافه کرد که آرامش در افغانستان زمانی خواهد آمد که مخالفین طالبان تقویت شوند •

از نظر روسیه و مشترکین در کنفرانس الماآتا حرکت طالبان خطر تبارز عناصر مسلمان متشدد را در منطقه ازیاد میدهد و سرحدات جنوبی روسیه را در خطر میآندازد خصوصا که عناصر مسلمان متعصب کشور های اسلامی داخل روسیه فعالتر شده اند و روسیه خطر انتشار جهاد را در داخل خاک خود مشابه به جهاد افغانستان دارد •

آقای یلتسن در مصاحبه خود با جریده تایمز ۸ ـ ۱۰ ـ ۱۹۹۶ اظهار نمود که آنچه در افغانستان جریان دارد در پریشانی روسیه افزوده زیرا ممکن است حرکات مانند افغانستان در داخل خاک روسیه انتشار یابد وی اضافه کرد که جبهه تاجکستان سرحدات ملی روسیه را میسازد وهر خطر از جانب جنگ جویان مسلمانان تاجکستان خطر واقعی برای امنیت روسیه میباشد•

رسیدن طالبان بقدرت در کابل روسیه را بسیار پریشان ساخت تا جائیکه « ارتیوم بورفیک » مشهور ترین خبر نگار دوران جهاد افغانستان در مصاحبه خود با تایمز در

۸ _ ۱۰ . ۱۹۹۶ گفت که «« بسیار خطا بزرگ را مرتکب شدیم که نظام کمونستبی را در افغانستان حمایت نکردیم و باز مرتکب خطا شدیم که از افغانستان بیرون شدیم و حال ما خطر حقیقی نهضت اسلامی را در نزدیک سرحدات مشاهده میکنیم ۰ و بدرجه رسیده که خطر بزرگ را برای خود روسیه احساس میکنیم ۰ »»

مضمون گفتار لیبید و یلتسن و سلطان باییف و ارتیوم بورفیک از نیت حقیقی روسیه نسبت به افغانستان پرده بر میدارد که باید ما افغانها متوجه خطر حقیقی همسایه شمال خود باشیم تا تجربه سالهای قبل تکرار نشود۰

جنرال لیبید در کنفرانس الماآتا نسبت به سیاستمداران روسی با صراحت تر بود و به طبیعت تربیه عسکری که داشت از مشترکین دعوت نمود تا برای حکومت آقای ربانی مساعدات نظامی واقتصادی فرستاده شود و اضافه کرد که کابل بدست طالبان مسکو را تهدید نظامی میکند ۰ لیبید از جنرال دوستم بحیث دوست یاد کرد و واضح ساخت که روسیه پیلوت های ورزیده برای قوای دوستم تربیه نموده است ۰

دعوت یلتسن برای مذاکرات و اتخاذ موقف متحد برای افغانستان از طرف دوستان روسیه و اظهارات جنرال لیبید را دنیا مداخله دوم روسیه در افغانستان تعبییر نمودند ۰ برای اینکه جهانیان موقف شدید در مقابل اظهارات جنرال لیبید و موقف کشورهای همپیمان روسیه نسبت به افغانستان نگیرند مسکو در ختم کنفرانس الماآتا اعلان نمود که روسیه به امور داخلی افغانستان نیت و عزم مداخله را ندارد ۰

نماینده روسیه در کنفرانس تهران ‹ اوی لوف › گفت که وزیر خارجه روسیه در نامه خود برای کنفرانس تهران واضح ساخت که روسیه افغانستان واحد و مستقر را می خواهد و برای روسیه مهم نیست که در کابل کی حکومت میکند ۰ لیکن در حقیقت روسیه از ادامه جنگ در افغانستان حمایت کرده ادامه آنرا بنفع خود در منطقه میداند ۰ در مورد حمایت روسیه از ادامه جنگ در افغانستان آقای ستیفن ماسدی می نویسد که صحیح است که روسیه افغانستان واحد را نمی خواهد و ادامه جنگ را در افغانستان به

نفع خود و ازبکستان و تاجکستان می داند • تاشکند مانند مسکو از تقسیم افغانستان و از تقسیم قدرت در افغانستان حمایت کرده طرفدار تشکیل حکومت ضعیف در کابل است •

اطراف داخل جنگ نباید برای روسیه حق بدهند تا در امور افغانستان حتی نظر بدهد زیرا مشکلات ما ملت افغانستان تا هنوز با مسکو حل نشده و ملت افغانستان حتما روسیه را به محکمه بین المللی خواهد کشانید و باید آقای مرحوم غفور زی در جلسات ملل متحد با اشتراک روسیه در هر نوع راه حل برای افغانستان مخالفت میکرد و حال باید داکتر صاحب فرهادی مداخلات مسکو را در امور افغانستان محکوم نماید و در جلسات ملل متحد به هر نوع پیشنهاد مسکو در راه حل افغانستان مخالفت شود زیرا تمام مشکلاتیکه ما امروز داریم نتیجه مداخله نظامی روسیه به حریم افغانستان است •

دوم ـ هندوستان :

هندوستان در قضیه افغانستان و مشکلات موجوده آن سیاست خاصی برای خود دارد که در قدم اول منافع هندوستان در نزد دولت آن حائز اهمیت است • هندوستان از حکومت غیر قانونی در افغانستان حمایت نمود و در کنفرانسهای بین المللی از سیاست روسیه در قبال افغانستان حمایت نموده برای مجاهدین حق اشتراک را در کنفرانسهای کشور های بیطرف یا جهان سوم نداد •

هندوستان اگر چه از نظام دیموکراسی حمایت میکند و سیستم دولتی آن باساس دیمکراسی غربی بنا یافته لیکن با آن هم از حکومت دیکتاتوری در افغانستان حمایت نمود چرا ؟

روسیه دوستی و روابط استراتیژی با هندوستان داشت • هند و روسیه علیه دولت چین

با هم متحد اند و چون افغانستان بعد از آزادی با پاکستان نزدیک بود و خطر آن میرفت که افغانستان با پاکستان مشترکا علیه هندوستان کار نمایند که اگر میشد برای هندوستان در کشمیر خطر های زیادی میرسید ۰ حکومت مجاهدین از مجاهدین کشمیر حمایت می نمود و در ارسال اسلحه برای مردم مسلمان کشمیر دریغ نکرد۰

بعد از سقوط حکومت آقای ربانی در کابل و ازدیاد نفوذ طالبان هندوستان متوجه خطر جدید و قویتر از ما قبل شد زیرا طالبان نسبت به حکومت آقای ربانی با پاکستان نزدیکتر بوده و نسبت به حمایت مسلمانان کشمیر از ما قبل خود با جرأت تر ۰ لذا برای هندوستان مشکل است تا حکومت مرکزی قوی دوست و نزدیک با پاکستان را در کابل قبول نماید زیرا در وجود این نوع حکومت خطر را متوجه امنیت قومی خود میداند پس برای هندوستان مفید است تا اوضاع جنگ در افغانستان ادامه نماید وافغانستان ضعیفتر شده و کوشش دارد تا روابط مردم افغانستان را نسبت به پاکستان مکدر تر بسازد تا از هر نوع اتحاد در آینده بین افغانستان و پاکستان جلوگیری شود ۰ برای هندوستان غیر قابل قبول است که پاکستان بتواند از میدانهای طیاره در افغانستان استفاده نماید و هم برای هندوستان غیر قابل قبول است که مجاهدین کشمیر در افغانستان تربیه عسکری شوند و مجاهدین افغانستان با ایشان متحدا علیه هندوستان داخل جنگ شوند ۰ حکومت هندوستان معلومات کافی داشت که در جنوب افغانستان جوانان مسلمان و مجاهد کشمیر تربیه میشوند و اسامه بن لادن در مصارف کمپ جوانان مسلمان کشمیر همکاری میکند و افسران نظامی پاکستان نیز در تربیه نظامی جوانان کشمیر در کمپ هستند ۰ راکتهای امریکا که در جنوب افغانستان اصابت نمود در حقیقت کمپ نظامی جوانان کشمیر را خساره مند ساخت و تعدادی که کشته شدند کشمیری ها بودند ۰

هندوستان حکومت غیر مرکزی را در افغانستان می خواهد و از نظام فدرالی در افغانستان حمایت میکند و هر گز حاضر نخواهد شد افغانستان بدست طالبان به

تنهائی اداره شود • هندوستان برای تحقیق اهداف سیاسی خود در افغانستان برای مخالفین طالبان اجازه فعالیت را در سرزمین هندوستان میدهد و در مبارزه علیه طالبان با مخالفین طالبان همکاری می نماید •

در مناطق سرحد آزاد پاکستان طرفداران هندوستان نفوذ سیاسی داشتند که هر وقت هندوستان میخواست می توانست پاکستان را تهدید نماید لیکن با بلند رفتن ستاره طالبان در افغانستان نفوذ طرفداران هندوستان در مناطق سرحدی تقلیل یافت که برای هندوستان غیر قابل قبول است •

سوم - چین :

چین طرف دیگر در قضیه افغانستان است که منافع سیاسی و اقتصادی و امنیت ملی اش برای حکومت پیکن اجازه مداخله حتی اگر بشکل غیر مستقیم باشد میدهد • حکومت چین اوضاع جاری افغانستان را بدقت مطالعه میکند • برای چین وجود حکومت باساس فکر اسلامی مطلق در افغانستان غیر قابل قبول است زیرا در حالت موجود بودن چنین حکومت در کابل امنیت مناطق اسلامی چین برهم خواهد خورد •

روابط دوستانه بین مجاهدین مسلمان چین و مجاهدین افغانستان خصوصا تنظیم های جهادی برای حکومت چین معلوم بود و میدانست که مجاهدین مسلمان چین در افغانستان تربیه عسکری میشوند و همین افراد تربیه شده در افغانستان مشکلات زیادی را برای حکومت چین در ولایت « سینکیانگ » بوجود آورد • برای چین بسیار قیمت تمام خواهد شد اگر مسلمانان چین داخل مبارزه مسلحانه با حکومت چین شوند •

چین از ازدیاد نفوذ ایران در حکومت کابل تشویش داشت و آنرا بنفع خود نمی دید • ایران در حالت دست داشتن در حکومت کابل میتواند مشکلات سیاسی را برای چین بوجود بیآورد و مسلمانان چین را علیه حکومت چین ترغیب و تشویق به مبارزه نماید •

بعد از سقوط کابل بدست طالبان و شکست های پی در پی احزاب جهادی در مناطق شمال و همکار پاکستان با طالبان را چین بنفع خود دید و جای شک نخواهد بود که اسلام آباد چین را در شناسائی و نزدیکی با اداره طالبان تشویق نکرده باشد • در این اواخر ملاحظه شد که چین با اداره طالبان داخل مذاکرات سیاسی گردیده و ممکن نظام سیاسی طالبان را برسمیت بشناسد و برای اظهار حسن نیت به حکومت طالبان چین خط هوائی را بین افغانستان و کشورش اجازه داد •

چهارم ـ پاکستان :

پاکستان از روز اول با مجاهدین افغانستان همکاری نمود و احزاب جهادی را بصفت نمایندگان ملت مجاهد افغانستان شناخت • برای پاکستان بسیار مشکل بود که در همسایگی خود قوای سرخ روسیه را ببیند زیرا واضح بود که روسیه میخواهد به آبهای گرم برسد • پاکستان از روابط خان عبدالغفار خان و حزبش با روسیه بی اطلاع نبود و میدانست که روسیه قادر است پشتون های داخل پاکستان را علیه اسلام آباد بحرکت بیآورد • پاکستان اطلاع کامل داشت که نظام کمونستی در کابل بوکلات از مسکو برای سوسیالستهای پاکستان اسلحه و پول ارسال میدارد و سرزمین افغانستان را بخدمت کمونست های پشتون پاکستان قرار داده •

بعد از پیروزی مجاهدین و رسیدن زعمای جهاد به کابل روابط بین حکومت آقای ربانی و اسلام آباد خراب شد زیرا از یکطرف برای زعمای جدید مشکل بود تا نفوذ قوی سیاسی پاکستان را در کابل قبول نمایند واز جانب دیگر عدم تجربه سیاسی نزد زعمای جهادی در تشنج بین کابل و اسلام آباد افزود و هم کشور های دیگر مثل ایران و روسیه در خرابی اوضاع بین کابل و اسلام آباد کوشیدند •

جنگ های داخلی در افغانستان تمام همسایه ها خصوصا پاکستان را به تشویش

انداخت و هر قدر کوشش نمود نتوانست در ختم جنگ موفق شود • برای سیاستمداران پاکستان آمدن صلح در افغانستان بسیار اهمیت دارد زیرا افغانستان در حالت بی امنیتی امنیت کشور های همسایه خصوصا پاکستان را خراب خواهد ساخت •

پاکستان در بین قوای مجاهدین قوه واحد و قوی را نیافت تا با آن جهت ختم جنگ و جمع اسلحه همکاری نماید تا اینکه طالبان در صحنه سیاسی افغانستان بحیث قوه جدید ظهور نمودند و در جمع کردن اسلحه در مناطق هلمند و قندهار به نتائج مثبت رسیدند • برای پاکستان بسیار لازم و ضروری بود تا اسلحه قبائل که هر نوع اسلحه از تفنگ تا راکت داشتند جمع شود تا این اسلحه به قبائل داخل پاکستان نرسد و طالبان موفق شدند برای اولین بار در تاریخ افغانستان افراد قبائل را خلع سلاح نمایند• صلح و آرامش و اقامت نظام سیاسی معتدل و دوست برای پاکستان در کابل در پروگرام نقل پترول از طریق افغانستان به پاکستان مساعدت میکرد و همچنان پاکستان انتظار راه یافتن به بازار های آسیای وسطی را داشت که راه یافتن بدون همکاری نظام سیاسی کابل با اسلام آباد نا ممکن بود و جنگهای داخلی در افغانستان به تمام پلانهای سیاسی و اقتصادی پاکستان ضرر جبران نا پذیر میرسانید •

دفعتا پاکستان متوجه شد که آقای مسعود طرفدار نقل پترول از طریق افغانستان به پاکستان نیست و آقای مسعود اعلان نمود که قسم میخورد که پاکستان نور خط پترول را بچشم نخواهد دید و قوای شمال تمام خط انتقال پترول را بطور مداوم تخریب خواهد نمود •

در نظام سیاسی پاکستان مؤسسات عسکری و جاسوسی که بنام أی . اس . أی یاد میشود سیاست خارجی کشور را رهبری میکنند و این دستگاه نظامی با جماعت اسلامی پاکستان مخالفت شدید دارد و بر عکس با جمعیت علمای پاکستان روابط دوستانه دارد • نزدیکی جماعت اسلامی پاکستان با آقای ربانی و احزاب جهادی و رفت و آمد های قاضی حسین احمد به کابل جهت آشتی دادن حکمت یار و ربانی

اسباب نا راحتی را در دستگاه دولتی خصوصا نظامیان پاکستان بوجود آورد و برای نظامیان پاکستان مشکل بود تا حکومتی را در کابل قبول نمایند که مشاور اول آن قاضی حسین احمد باشد •

بین جمعیت علمای پاکستان که بنام ریئس آن مفتی محمود نیز شهرت دارد و بین جماعت اسلامی پاکستان که بنام حرکت مولانا مودودی نیز معروف شده مشکلات سیاسی زیادی در میدان سیاسی پاکستان وجود دارد و جمعیت علمای اسلام در دوران جهاد از حرکت انقلاب اسلامی و جبهه نجات ملی و محاذ اسلامی حمایت می نمود در حالیکه جماعت اسلامی مودودی از حزب اسلامی و جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی استاد سیاف •

جمعیت علمای اسلامی مدارس زیادی اسلامی برای جوانان مهاجر افغانستان در مناطق قبائل تأسیس نمود وتقریبا اکثریت افغانها در مدارس جمعیت علمای اسلام تعلیم یافتند در حالیکه جماعت اسلامی در داخل شدن جوانان احزاب جهادی در پوهنتونهای پاکستان همکاری داشت •

برای جمعیت علمای اسلام بسیار مشکل بود تا در افغانستان جماعت اسلامی دست بالا داشته باشد • بدین اساس جمعیت علمای اسلام از حرکت طالبان حمایت سیاسی نمود و اداره عسکری پاکستان نیز حاضر شد با طالبان نزدیک شود •

از اینکه طالبان را پاکستان ساخته باید به بسیاری سؤالات جواب داده شود تا قضیه روشن شود • گفته میشد که حرکت طالبان را خانم بی نظیر بوتو خلق نموده در حالیکه موقف وی در مقابل حرکت طالبان واضح است • خانم بوتو هر گز حاضر نیست یک حرکت سنی را در افغانستان تقویت نماید زیرا مخالف عقیده مذهبی اش است و همچنان برای یک خانم که بنظام اسلامی اعتراف ندارد ممکن نیست طالبان را که متعصب ترین مردم اند حمایت نماید و در جواب سؤال جریده ‹ المشاهد السیاسی مؤرخ ۸ . ٤ . ۱۹۹۵ › خانم بوتو در موضوع همکاری پاکستان با طالبان گفت که :

« طالبان زنان را زندانی میکنند پس چطور بزعیمی مثل من ممکن است از طالبان حمایت نماید • و در جواب همین مجله نطاق رسمی حکومت پاکستان گفت که :
« ممکن نیست پاکستان مسرور باشد به نتائج نظامی حرکت طالبان و رسیدن شان به کابل و پاکستان عصری به حکومتی مثل حکومت طالبان خیر مقدم نخواهد گفت حکومتیکه زنان را زندانی می سازد و مرد و زن در مقابل کمره های تلفزیون اعدام می شوند •

با تمام اظهارات خانم بوتو نا ممکن است پاکستان روابط نزدیک با طالبان نداشته باشد و ممکن یکی از اسباب سقوط خانم بوتو موقف سیاسی اش در قبال حرکت طالبان باشد • از ناحیه سیاسی همکاری و اتفاق در مرحله خاصی معنی غلامی را نمیدهد بلکه منافع مشترک بین جانبین اسباب نزدیکی را آماده میسازد که ممکن است بعد از تحقیق هدف معین تمام روابط خوب به دشمنی تبدیل شود • آقای محمود مستری در مصاحبه خود با مجله عربی زبان چاپ لندن بنام « المجله » گفت که نباید فکر شود که پاکستان اختیارات طلبان را دارد و هر چه پاکستان بخواهد در افغانستان توسط طالبان مورد اجرا قرار میگیرد و طالبان در بسیاری موارد مخالف با سیاست پاکستان حرکت میکنند و مشکلات بزرگ سیاسی را برای پاکستان بوجود میآورند •

پاکستان حکومت قوی و مرکزی را در کابل میخواهد تا از طریق افغانستان به کشور های آسیائی برسد البته بنفع پاکستان است تا حکومت کابل دوست و طرفدار سیاست پاکستان باشد و دیده شود که طالبان تا چه اندازه به فلک پاکستان در آینده نزدیک و یا دور خواهند چرخید • اتحاد در حالت موجوده ممکن اتحاد منافع مشترک باشد دیده شود که در حالت پیروزی کامل طالبان سیاست بکجا خواهد رسید زیرا در عالم سیاست دوستی و اتحاد دائمی نبوده بلکه هر لحظه قابل تغییر است • پاکستان از سقوط حکومت آقای ربانی مسرور است لیکن با آن خواهان روابط نزدیک با آقای مسعود و جنرال دوستم میباشد و در باز نمودن دفتر دوستم در پاکستان موافقه نمود و

تا حال چندین بار از دوستم دعوت بعمل آمده تا از پاکستان دیدن نماید • پاکستان با هیچ طرف روابط خاص ندارد و کوشش دارد هر طرف را در حلقه خود داشته باشد حتی اگر ضعیف ترین حزب و حرکت سیاسی نیز باشد زیرا در آینده ممکن است در مقابل حکومت کابل از آن استفاده نمود • پاکستان در حالیکه با طالبان روابط مستقیم و حسنه دارد با مخالفین طالبان نیز روابط خوب را حفظ نمودهٔ و از هر مجلس صلح حمایت میکند و دفتر های احزاب مخالف طالبان تا هنوز در پاکستان باز بوده و علیه طالبان در خارج و داخل تبلیغ جریان دارد •

پاکستان خواهان تقلیل نفوذ ایران در افغانستان است و آنرا بنفع خود نمی بیند و در تیره ساختن روابط کابل با تهران خواهد کوشید • مبارزه بین پاکستان و ایران سر تجارت منطقه و خط پترول در سیاست هر دو کشور نسبت به افغانستان تأثیر مستقیم دارد پاکستان از حمایت ایران از اقلیت شیعه داخل پاکستان راضی نیست و آنرا مداخله به شئون داخلی خود میداند و ترس دارد که اگر ایران در کابل نیز صاحب قدرت گردد امنیت پاکستان در خطر واقعی قرار خواهد گرفت و سرزمین افغانستان مرکز مبارزان شیعه پاکستان خواهد شد در قبال مخالفت ها بین پاکستان و ایران ملت افغانستان و سر زمین افغانستان قربانی سیاست ایران و پاکستان و اهداف اقتصادی شان میگردد که فقط ملت افغانستان است که میتواند مانع مداخلات پاکستان و ایران شود و این هدف وقتی تحقیق خواهد یافت که برای ملت حق تعیین سر نوشت داده شود و ملت در نظام سیاسی و اختیار آن رول حقیقی خود را بازی نماید که در حالت جنگ و ادامه آن و تعصبات نژادی و مذهبی ملت هر گز نقش اساسی خود را نخواهد بازی نمود •

پنجم ـ ولایات متحده امریکا :

در گذشته افغانستان برای امریکا نسبت موجودیت اتحاد جماهیر سوسیالستی اهمیت استراتیژیکی داشت و امریکا حاضر نبود افغانستانرا اتحاد شوروی مالک شود و مصالح امریکا را در پاکستان ومنطقه خلیج عربی به خطر اندازد • امریکا از سیاست روسیه در قبال افغانستان بی خبر نبود لیکن برای جلوگیری انقلاب کمونستی در کابل اقدامات عملی ننمود و از نظام داود خان حمایت فوری نکرد •

دکتور عبدالواحد کریم سفیر کبیر سابق افغانستان در امریکا میگوید که سردار محمد داود خان ویرا به امریکا فرستاد تا آقای کارتر و دولت امریکا را از خطر مداخله نظامی روسیه در افغانستان با خبر سازد • دکتور کریم نظر به امر دولت افغانستان موضوع را به مقامات امریکا رسانید لیکن دولت امریکا داخل اقدامات فوری نشده و در مورد هجوم روسیه بخاک افغانستان حرکت که با موقف سیاسی امریکا مناسب باشد نکرد •

سردار محمد داود خان از مرحوم محمد انور السادات دعوت نمود تا بین وی و جهان غرب خصوصا امریکا میانجی باشد لیکن مثلیکه وقت به صلاح دولت داود خان نبود و انقلاب کمونستی که سالهای قبل پلان گذاری شده بود و نظامهای سابق در فکر کشور و آینده آن نبودند تحقق یافت و نظام سیاسی در افغانستان به نظام الحادی تبدیل گشت •

امریکا بعد از انقلاب کمونستی متوجه خطر شده در حمایت مخالفین نظام کمونستی کوشید • چون در ساحه سیاسی و جهادی افغانستان شخصیتهای غیر مربوط به نهضت اسلامی افغانستان موجود نبود و اکثر زعمای سیاسی افغانستان کشور را به نیت اقامت در اروپا و امریکا ترک نموده بودند و امریکا مجبور بود با نهضت های اسلامی که در

اصل با آن ها مخالفت داشت همکاری نماید زیرا در میدان سیاست دوستی به دشمنی و دشمنی به دوستی در هر لحظه ممکن است تبدیل شود ٠

امریکا از طریق پاکستان به داخل صفوف مجاهدین راه داشت و پاکستان نگذاشت امریکا با جهاد و مجاهدین ارتباط مستقیم داشته باشد ٠ امریکا نیز تمام معلومات خود را از طریق آی اس آی دریافت میکرد که در بسیاری موارد غیر عادلانه و حتی غیر واقعیت میبود ٠ که در نتیجه آن امریکا نسبت به قضیه افغانستان دچار اشتباهات بزرگ گردید و عناصر ضد امریکا بهترین استفاده را از مساعدتهای امریکا نمودند ٠

امریکا در سیاست خارجی خود نسبت به کشور های اسلامی سیاست ثابت دارد و آن در عدم اقامت حکومت اسلامی باساس فکر سیاسی آن میباشد زیرا اقامت نظام سیاسی باساس فلسفه اخوان المسلمین منافع امریکا را در منطقه به خطر میآندازد و وجود دولت غیر قانونی اسرائیل را نیز در خطر واقعی قرار میدهد ٠ مگر امریکا در زمان جهاد چنانچه توضیح شد مجبور بود با نهضت های اسلامی همکاری نماید ٠ بعد از رسیدن مجاهدین به تخت کابل امریکا سیاست جدید را روی دست گرفت و آن تشکیل حکومت دارای قاعده وسیع و متشکل از تمام اقوام افغانستان و تکنوکراتهای افغانی بود و از برگشت مجدد پادشاه سابق برای یک دوره انتقالی حمایت نمود لیکن کوشش های واشنگتن کدام نتیجه مثبت نداد ٠

امریکا از جنگهای داخلی افغانستان راضی نیست زیرا استمرار جنگ در پلانهای طویل مدت امریکا در منطقه آسیا ضرر وارد میکند ٠ موجود بودن جوانان عرب و آن هم ضد سیاست امریکا در منطقه خلیج در افغانستان چنانچه در موضوع جوانان عرب اشاره شد اسباب تشویش امریکا و جهان غرب را بار آورد وامریکا در کوششهای خود برای تصفیه و گرفتاری جوانان عرب در افغانستان بذل مساعی نموده مبالغ زیاد را سرمایه گذاری نمود لیکن مقابل سرمایه گذاری زیاد نتیجه رضایت بخش را بدست نیآورد و از نظر امریکا افغانستان به مرکز مخالفین سیاست امریکا تبدیل گردید ٠

منافع اقتصادی شرکتهای پترول و شرکتهای تجارتی غرب در بوجود آمدن حکومت مرکزی قوی در کابل است بنابر آن در بوجود آوردن نظام ثابت مرکزی وقوی در افغانستان شرکتهای اقتصادی بذل مساعی نمودند لیکن نتوانستند با تنظیم های دارای اهداف مختلف وداخل جنگ بیک نتیجه مثبت و قناعت کننده برسند•

منافع امریکا با منافع پاکستان در موضوع افغانستان مشترک است و هر دو کشور از مصلحت خود میدانند تا در افغانستان حکومت واحد • قوی و مرکزی بوجود آید اگر چه این نوع حکومت از طالبان باشدزیرا با حکومت واحد و مستقر و قوی ممکن است همکاری سیاسی شود و هر دو طرف منافع را بین خود تقسیم نمایند •

امریکا منافع زیادی در افغانستان دارد که رسیدن به آن بدون موجودیت حکومت واحد و مستقر نا ممکن است • امریکا سیاست واضح نسبت به ایران در منطقه دارد و بصراحت برای دور نگهداشتن ایران از شرق میانه و جنوب آسیا کار میکند • برای کامیابی این سیاست واضحا برای امریکا غیر قابل قبول است تا ایران در افغانستان نفوذ سیاسی داشته باشد و یا ایران در دولت افغانستان دارای مقام ارجمند و عالی گردد • نفوذ ایران در افغانستان از نظر غرب معنی نفوذ ایران در جمهوریت های آسیا وسطی را میدهد •

نزدیکی ایران با روسیه خطر حقیقی برای سیاست امریکا در وسط آسیا است و امریکا ملاحظه نمود که ایران و روسیه مشترکا داخل کار بوده و هر دو هدف شان دور نگهداشتن امریکا از منطقه غنی آسیای مرکزی است • نزدیکی حکومت آقای ربانی با ایران و روسیه و همکاری مشترک بین شان در مبارزه علیه نفوذ پاکستان در آسیای مرکزی سبب شد تا امریکا بار دیگر به افغانستان نزدیک شود تا روابط روسیه و ایران را قطع نماید برای امریکا تحقیق این هدف بدون وجود پاکستان نا ممکن بود لذا امریکا با پاکستان همکاری نمود و پاکستان با نهضت طالبان تا دولت مرکزی در افغانستان بوجود آید و منافع غرب و پاکستان در آسیای مرکزی حفظ شود •

لیکن امریکا و پاکستان در سیاست خود با طالبان دچار مشکلات شدند زیرا در حلقه طالبان نفوذ کامل پیدا نکردند و طالبان چنانچه غربی ها میگویند از بازی های سیاسی دور اند نتوانستند با متحدین خود همکاری داشته باشند ◦ طالبان مبادی قبول شده خود را بالاتر از هر نوع همکاری با پاکستان و امریکا میدانند ◦ امریکا متوجه شد که طالبان در میدان سیاسی قبول دارند هر چه بگیرند لیکن چیزی ندهند مثلا کوشش های امریکا برای تسلیمی اسامه بن لادن با طالبان و همچنان کوششهای امریکا برای قناعت دادن طالبان برای قبول پادشاه سابق در افغانستان حتی برای یک دوره مؤقت نتیجه نداد و بر عکس طالبان بوضاحت و صراحت هر دو پیشنهاد دولت امریکا را رد نمودند ◦ امریکا تجربه قوت نظامی را نیز با طالبان عملی نمود◦ حملات نظامی امریکا در تغییر سیاست طالبان مفید واقع نشد بر عکس نتائج غیر راضی کننده را بار آورد ◦

افغانستان منطقه استراتیژیکی مهم برای امریکا بحساب میآید و رسیدن به آسیای مرکزی بدون عبور از سرزمین افغانستان برای غرب نا ممکن است ◦ امریکا برای دست یافتن به منابع جدید گاز و پترول ضرورت حیاتی دارد ◦ برای این منظور شرکت یونوکال امریکا معاهدهً با حکومت ترکمنستان که کشور چهارم در جهان از نظر ذخایر گاز و پترول بحساب میآید بامضاء رسانید و در معاهده آمده که پترول و گاز از منابع آن در ترکمنستان از طریق افغانستان به سواحل پاکستان انتقال خواهد یافت مبلغ سرمایه گذاری اجمالی این پروژه به ۳ ملیار دالر تخمین گردیده ◦

در مقابل شرکت ارجنتین بنام برایداس با شرکت امریکائی در میدان تجارت رقابت نموده فورا با افغانها تماس قائم نمود ◦ شرکت ارجنتین ادعا دارد که انتقال خط پترول از ترکمنستان از طریق افغانستان برای افغانستان ۲۰۰ ملیون دالر میآورد ◦ در مقابل یک مسئول در حکومت امریکا به مجله « الرأی العام بتاریخ ١٦ . ١٢ . ١٩٩٧ » اظهار نمود که نقل خط انتقال پترول و گاز برای تعمیر دوباره افغانستان کافی میباشد ◦

نقل گاز و پترول آسیای مرکزی از طریق افغانستان اولین پلان اقتصادی امریکا در منطقه است و از نظر سیاسی امریکا کوشش دارد تا پترول و گاز از راه روسیه به غرب انتقال نکند و امریکا هدف دارد تا تمام روابط کشور های آسیای مرکزی را و کشورهای کامنولث را با مسکو قطع سازد • همچنان امریکا هدف دارد تا ایران برای انتقال خط پترول و گاز از راه ایران اصلا فکر نکند • امریکا در تصمیم خود نسبت به انتقال پترول از طریق ایران ثابت و جدی است و در مقابل جمع آوری قوای نظامی ایران در سرحدات افغانستان سکوت نکرده ایران را متوجه مقابله با قوای نظامی امریکا ساخت و مفسرین سیاسی میگویند که حملات راکتی امریکا در افغانستان اصلا برای جلب توجه حکومت ایران بود •

در مورد منافع اقتصادی امریکا در منطقه میتوان منافع سیاسی امریکا را در نقاط ذیل خلاصه ساخت :

۱ ـ حفظ افغانستان برای تشویش روسیه در سرحدات جنوبی آن • روسیه تا هنوز مصدر خطر برای غرب بحساب میآید و خطر عودت کمونستها در مسکو تا هنوز موجود است • روسیه تا هنوز مصدر تشویش و خطر برای غرب در یوگوسلوافیامیباشد•

۲ ـ تحریک حکومت کابل علیه ایران و استفاده از اختلافات مذهبی بین قیادت جدید در افغانستان و ملا های ایران و حفظ بمب قابل انفجار بین هر دو کشور •

۳ ـ استفاده از نظام اسلامی در افغانستان برای تعریف اسلام بشکل غیر واقعی آن برای جهانیان و متوجه ساختن دنیا بخطر جدید علیه غرب و علیه پیشرفت های جدید بشری و طالبان را بصفت حامیان سنی در منطقه معرفی نمود • معاون وزیر خارجه امریکا در شئون جنوب آسیا در مصاحبه خود با « مجله الحیاه بتاریخ ۱۷ . ۱ . ۱۹۹۸» گفت که واشنگتن به حکومت طالبان را حتی اگر تمام افغانستان را هم بدست بیآورند به رسمیت نخواهد شناخت • وزیر خارجه امریکا خانم اولبرایت در اواسط ماه نومبر ۱۹۹۷ گفت که حرکت طالبان قابل تشویش است خصوصا در موضوع حقوق

انسان و رفتار با طبقه زنان •

از یکطرف امریکا با دولت طالبان تماس دارد و از طرف دیگر بالای حرکت طالبان هجوم میکند که انسان در سیاست دوگانه دولت بزرگ چون امریکا تعجب میکند • همین سیاست امریکا سبب شده تا نهضت های اسلامی در جهان امریکا را ضد اسلام و مسلمانان معرفی نمایند و علیه امریکا مبارزه نموده از مخالفین چون اسامه بن لادن حمایت نمایند • دیده شود موقف امریکا بعد از شکست قوای مسعود در افغانستان چه خواهد بود • آیا امریکا برای مسعود کمک خواهد کرد تا بصفت قوای قوی ضد طالبان باقی بماند ؟ و آیا خواهد گذاشت مسعود مانند دیگران خاک افغانستان را ترک گوید ؟ روزهای آینده باین سؤالات جواب خواهد داد •

ششم ـ ایران :

در طول روابط بین ایران و افغانستان • ایران نسبت به افغانستان نظر خوب و حسنه نداشت • در طول جهاد اسلامی که ملت افغانستان بنام دین و حمایت عقیده اسلامی ارواح پاک خود را فدا نمودند از دولت ایران که تازه بنام اسلام قیام نموده بود انتظار زیاد داشتند لیکن حکومت اسلامی ایران بجانب جهاد اسلامی ملت افغانستان بصفت یک کشور همسایه و مسلمان ایستاده نشد •

ایران در جریان جهاد موانع زیادی را در طریق ارسال اسلحه به مناطق غربی افغانستان عبور از اراضی ایران بوجود آوردند و در کنفرانسهای اسلامی موقف روسیه را شدیدا که لازم یک دولت اسلامی بود تقبیح نکرده با روسیه مناسبات حسنه خود را حفظ نمود • ایران با مهاجرین افغان در ایران رفتار نیک نکرد و تا امروز مهاجرین افغانستان در ایران مشکلات زیادی دارند و هر روز تهدید به اخراج از ایران میشوند •

انقلاب اسلامی ایران در مراحل اول جهاد کوشش نمود تا سرپرستی جهاد رادر افغانستان داشته باشد لیکن مجاهدین افغان حاضر نشدند وصایت دولت ایران را قبول

نمایند • بعد از پیروزی مجاهدین و تشکیل حکومت اسلامی در کابل سیاست ایران در آن بود تا در کابل حکومت قوی بوجود نیآید برای تحقیق این سیاست از تقسیم حکومت بین پشتون ، تاجک ، ازبک حمایت میکرد و در بین ملت افغانستان اختلافات مذهبی را انتشار داد تا حکومت قوی ومستقل در افغانستان بوجود نیآید و ایران در نظر دارد تا در هر حکومت که در کابل تشکیل میشود نقش مستقیم و بارز را داشته باشد •

ایران در مداخلاتش در افغانستان معلومات کافی مثل پاکستان نداشت وتصور میکرد فارسی زبانهای افغانستان در مبارزه شان علیه پشتونها از سیاست ایران حمایت میکنند در حالیکه همه فارسی زبانان افغان وصایت ایران را رد نمودند • ایران تصور میکرد که جنگ در افغانستان بین پشتون و تاجک است در حالیکه این طور نبود ما در جریان جنگ های داخلی دیدیم که تاجک با پشتون علیه تاجک متفق بود و بر عکس آن نیز بسیار واقع شده • ایران تصور میکرد که شیعه های افغانستان برای ایران کار میکنند در حالیکه شیعه های افغانستان اصالت خود را حفظ نمودند و بصفت افغان باقی ماندند •

با رسیدن طالبان ایران متوجه شد که قوای جدید اسلامی در افغانستان بوجود آمد • که کاملا مخالف سیاست ایران در افغانستان می باشد • ایران بعد از انقلاب اسلامی بسیار کوشش نمود تا قیادت اسلامی را در جهان داشته باشد و حرکات اسلامی از ایران متابعت نمایند لیکن این طور نشد زیرا موضوع مذهب در میان آمد • حرکت طالبان را که اساس مذهب سنی و طریقت تشکیل میدهد برای ایران مشکل است تا در جهان اسلامی نظام دیگری را باساس مذهب سنی قبول نماید و زعامت اسلامی خود را در بین نهضت های اسلامی سنی مذهب از دست بدهد خصوصا که طالبان در حمایت جوانان عرب کوشیدند و به خواهش و فشار نظامی و سیاسی امریکا سر تعظیم پائین نکردند•

موقف شدید طالبان در مقابل غرب در شهرت شان حد اقل در بین حرکت های افراطی اسلامی افزود وجوانان نهضت های اسلامی گمشده خود را در طالبان یافتند •
ایران بعد از انتصارات طالبان و سقوط کابل متوجه ایجاد اتحادات جدید بین عناصر ضد طالبان شد و در این راه مبالغ زیادی را سرمایه گذاری نمود • ایران صدای دفاع از افغانستان را بلند نمود و با روسیه و هند وحکومات کشور های آسیای مرکزی حلقه واحد را علیه طالبان تشکیل داد و مداخلات پاکستان را در افغانستان تقبیح نمود •
ایران در افغانستان مداخله مستقیم میکند و تصور میکرد که جبهه شمال نمایندگان ایران در افغاستان اند • نمایندگان سیاسی ایران در افغانستان خود را حکام شمال افغانستان تصور میکردند و بدون اجازه و همکاری قوای و اداره شمال فعالیت داشتند و طیارات ملکی و نظامی ایران بدون اجازه قبلی داخل خاک افغانستان میشود • قراریکه بعضی مسئولین بزرگ جبهه شمال اظهار میکنند جبهه شمال و حتی برادران شیعه افغانستان از موقف ایران نسبت به افغانستان راضی نیستند لیکن قرار اظهارات شان بشکل خصوصی بجز نزدیکی با ایران برای بقای خود راه دیگر ندارند •
قرار گفتار بعضی قوماندانهای جبهه شمال ایران تمام قیمت پول اسلحه را برای تجار اسلحه میپردازد که در نتیجه اقتصاد ایران بمرحله رکود رسیده واگر اوضاع افغانستان همین ترتیب دوام نماید ایران دچار مشکلات اقتصادی و سیاسی خواهد شد • قیمت یک طیاره هلیکوپتر ساخت روسی که ایران برای جبهه شمال از روسیه خریداری میکند به ۸۰۰ هزار دالر میرسد •

حمله دوم طالبان به مزار شریف که باعث سقوط مزار شریف گردید و در اثر آن تعدادی از دیپلوماتهای ایرانی بقتل رسیدند ضربه شدید به کرامت ایران تفسیر گردید و بعد از سقوط مزار شریف بامیان سقوط نمود که برای مقامات ایرانی قبول آن نا ممکن بود دولت ایران و خصوصا طرفداران مداخله نظامی ایران در افغانستان که در اطراف مرشد دینی ایران جمع شده اند طرفدار برای حمله نظامی بودند و ایران صد

هزار قوای خود را در سرحدات افغانستان مستقر ساخت .

در حمله به افغانستان پلان بود که قوای نظامی ایران داخل قندهار گردیده لیکن بزودی خاک افغانستان را ترک نماید لیکن رئیس دولت ایران آقای خاتمی که شخص با دانش و سیاستمدار است امر به حمله نداده بلکه با آن مخالفت نمود در حالیکه حمله ایران اگر صورت میگرفت بهترین دلیل برای غرب جهت تخریب ایران بود و داستان صدام حسین و کویت بار دیگر تکرار میشد .

ایران با اینکه از نظر منابع معدنی خصوصا پترول غنی است لیکن نمی خواهد خط پترول از افغانستان عبور کند تا نشود افغانستان از عبور آن استفاده اقتصادی نماید در حالیکه افغانستان احتیاج شدید به منابع مالی و اقتصادی نسبت به هر کشور دیگر دارد .

مخالفت علنی ایران با طالبان و وصف شان به جهالت و تجمع قوای نظامی ایران را طالبان به مفاد خود دانسته و از آن تبلیغات خوب برای خود نمودند که طبیعی است در حالت حمله خارجی ملت افغانستان با هم متحد میشود و همان بود که حتی مخالفین طالبان از سیاست دفاعی طالبان حمایت نمودند و کسانیکه با قوای ایرانی همکاری دارند بصفت خائن معرفی شدند .

ایران قبول نخواهد کرد که پاکستان در افغانستان دست بالا داشته باشد و حکومت کابل طرفدار اسلام آباد باشد و برای ایران معلوم است که نظامیان پاکستان در افغانستان در مسافه های قریب سرحدات ایران رفت و آمد دارند . برای ایران ازدیاد نفوذ سیاسی و نظامی پاکستان در افغانستان غیر قابل قبول است زیرا در هر لحظه امریکا میتواند از طریق افغانستان و پاکستان برای نظام سیاسی ایران مشکلات بزرگ را خلق نماید .

شکست نظامی و سیاسی ایران از طرف مجامع بین المللی پیروزی پاکستان و غرب در مقابل ایران حساب شد که برای قیادت دینی ایران ضربت قوی بود و ملت ایران نظام

سیاسی خود را مورد محاسبه قرار خواهد داد زیرا ملت ایران متحمل خسارات مالی زیاد شدند و همچنان از نظر مذهبی حمایت ایران از جبهه شمال عکس العمل سنی های افغان را علیه شیعه های افغان زیاد ساخت و در سقوط مزار شریف قراریکه مسئولین بزرگ جبهه شمال میگویند همه اعضای جبهه بغیر از وحدت با طالبان همکاری نمودند و حتی میگویند که دپلومات های ایرانی قبل از رسیدن قوای طالبان به شهر مزار شریف بدست خود مردم بشکل انتقام بقتل رسیده بودند ٠

ایران در سیاست خود در مورد افغانستان دچار اشتباه بزرگ گردیده وتصور میکند که جبهه شمال از دوستان ایران است در حالیکه تعدادی از اعضای شمال تا هنوز با پاکستان روابط حسنه دارند و نفوذ سیاسی پاکستان را در افغانستان نسبت به ایران ترجیح میدهند ٠ شیعه های افغانستان دل خوش از ایران ندارند ٠ آقای اکبری با صراحت علیه ایران حرف میزد ومخالف نفوذ ایران در افغانستان است و همچنان حزب آقای خلیلی یک حزب سیاسی افغانی بوده اگرچه امروز در ایران است لیکن علیه تسلط سیاسی ایران بالای افغانستان میباشد ٠

مسئولین جبهه شمال بشمول حزب وحدت از طرز العمل دولت ایران در مقابل خود بسیار شکایت دارند و خواهان راه حل سیاسی قضیه افغانستان هستند که به حفظ کرامت افغانی شان ایران را وداع گویند ٠

ایران چنانچه ذکر شد طرفدار نظام فدرالی در افغانستان است و بصراحت میخواهد تا مذهب شیعه در قانون اساسی افغانستان برسمیت شناخته شود و شیعه های افغانستان در دولت حصه داشته باشند ٠

آنانیکه طرفدار قطع مداخله ایران در افغانستان اند باید به واقعیت های موجوده افغانستان اعتراف نمایند ٠ شیعه یکی از مذاهب اسلامی است و باید به همین عنوان قبول شود ٠ در نظام سیاسی افغانستان باید برای همه جا باشد و چانس اشتراک باید برای همه داده شود ٠

/

برای ایران لازم است تا افغانستان و مردم آنرا از جدید بشناسد و به رغبت و خواهش ملت افغانستان احترام نماید و باید درک نماید که بی امنیتی در افغانستان امنیت ایران را نیز مختل میسازد • ایران باید بداند که مخالفین اسلام برای سرکوب ساختن ایران پلانها دارند و ایران نباید برای مخالفین اسلام وقت تخریب ایران وافغانستان را بدهد •

پاکستان و ایران باید به مداخله در قضیه داخلی افغانستان خاتمه بدهند و قوت نظامی خود را در خاک افغانستان مورد امتحان قرار ندهند • حکومت افغانستان نیز باید به حقوق همسایه ها اعتراف داشته و منافع مشترک را قبول نماید زیرا منافع مشترک بین کشور های جهان یک حقیقت غیر قابل انکار است •

همسایه های شمال افغانستان مشکلات داخلی زیادی دارند که در مداخله به قضیه افغانستان میتوانند مشکلات داخلی خود را قدری آرام و عمر سیاسی خود را طولانی تر بسازند •

حکومت تاجکستان که نماینده حزب کمونست و مسکو است از تأیید ملت تاجک بی نصیب میباشد • مجاهدین تاجک بغیر از افغانستان جای ندارند که از آنجا برای سقوط دولت غیر اسلامی و غیر قانونی خود عملیات نظامی نمایند • در سابق حکومت مجاهدین و در وقت حاضر طالبان از مجاهدین مسلمان تاجک حمایت میکنند •

ازبکستان مانند تاجکستان مشکلات داخلی با مردم خود دارد • مردم ازبکستان از حکومت خود که نماینده مسکو میباشد راضی نیستند و علیه حزب حاکم در ازبکستان مبارزه می نمایند • ازبکستان از انتشار فکر جهادی افغانستان در ازبکستان در تشویش است و همچنان ازحمایت طالبان ازحرکت اسلامی ازبکستان اطلاع دارد •

برای ازبکستان و تاجکستان استمرار و ادامه جنگهای داخلی در افغانستان دارای اهمیت استراتیژیکی است و هر دو کشور در استمرار جنگ مستقیما رول دارند • عدم استقرار سیاسی بنفع نظام سیاسی ازبکستان و تاجکستان میباشد هر دو کشور از قضیه

داخلی غیر مستقر افغانستان دو نفع را بر میدارند :

۱ - استمرار جنگ و عدم موجودیت حکومت مرکزی قوی اسلامی در ادامه حکومت تاجکستان و ازبکستان کمک میکند زیرا مجاهدین هر دو کشور از طرف افغانستان حمایت نمیشوند و از جانب دیگر حکومت تاجکستان و ازبکستان از استمرار جنگ در افغانستان وقت آنرا بدست میآورند تا در تصفیه عناصر مخالف اسلامی خود موفق باشند و همچنان برای هر دو نظام اوضاع افغانستان بحالت موجود آن مفید است تا ملت خود را قناعت بدهند که جهاد و رسیدن مسلمانان به حکومت همان بدبختی را که برای افغانستان آورد برای ملت تاجکستان و ازبکستان نیز ارمغان خواهد آورد و نظام هر دو کشور از اوضاع بد افغانستان بخوبی میتوانند علیه نظام اسلامی تبلیغات نمایند و ملت های خود را قناعت بدهند که نظام اسلامی بجز بدبختی نتیجه دیگر ندارد ٠

۲ - برای ازبکستان و تاجکستان استمرار جنگ منافع اقتصادی زیادی دارد ٠ جبهه شمال تمام اسلحه مورد ضرورت خود را از تاجکستان و ازبکستان به دالر خریداری می نمایند که قرار معلوم ایران پول اسلحه را نقدا میپردازد ٠ پس به نفع هر دو دولت است تا جنگ را در افغانستان ادامه بدهند تا اسلحه که ضرورت ندارند برای جنگ جویان افغانی به قیمت خوب و نقد بفروش برسانند ٠ بغیر از جبهه شمال طالبان نیز اسلحه مورد ضرورت خود را از کشور های آسیای مرکزی خریداری میکنند و خصوصا ارمنستان زیادترین منفعت را از جنگهای داخلی افغانستان دارد ٠

ترکمنستان طرف دیگر قضیه افغانستان است ٠ برای ترکمنستان منتصر و مغلوب در قضیه افغانستان بسیار اهمیت ندارد ٠ ترکمنستان نه از پشتون و نه از تاجک حمایت میکند بلکه هر کدام افغانستان را آرام بسازد و اسلحه را جمع آوری نماید و راه تجارت را باز نگاه نماید همان طرف برای ترکمنستان دوست میباشد ٠

ترکمنستان با طالبان روابط حسنه دارد و امید زیاد دارد که طالبان بتوانند صلح را در افغانستان بر قرار نموده با ترکمنستان در انتقال پترول همکاری نمایند ٠

حکومت ترکمنستان میداند که غرب طرفدار انتقال پترول و گاز ترکمنستان از طریق روسیه و ایران نیست و میداند که امریکا و شرکت های پترول امریکائی افغانستان را اختیار نموده اند و تنها شرکت یونوکال مبلغ زیادتر از ۳ ملیارد دالر درترکمنستان سرمایه گذاری نموده • ترکمنستان با اینکه هنوز روابط حسنه با جبهه شمال دارد لیکن طالبان را برای آینده افغانستان بنفع اقتصادی خود میداند و با اداره طالبان همکاری زیاد دارد• ترکمنستان صلح و آرامش و ختم جنگ و اقامت حکومت مرکزی قوی را در افغانستان میخواهد ومیداند که طالبان با اینکه مورد نقد و هجوم غرب است لیکن در نهایت غرب اداره طالبان را نسبت به حکومتی که باساس فکر اخوان المسلمین بناء شود برتری میدهد • ترکمنستان در افغانستان فقط منافع اقتصادی دارد و در فکر اقلیت ترکمان در افغانستان نیست ونمی خواهد منافع ملی و اقتصادی خود را قربان یک اقلیت ترکمان در افغانستان بسازد • ترکمنستان برای اینکه مخالفت طالبان را نسبت به خود و حتی شک طالبان را نسبت به سیاست خود آماده نسازد در کنفرانس الماآتا که علیه طالبان بود اشتراک نکرد و تا حال در هیچ کنفرانس که علیه طالبان باشد اشتراک رسمی نکرده •

در حالت موجوده افغانستان کشور های همسایه خصوصا پاکستان و ایران برای خیر افغانستان کار نمیکنند و همسایه های شمال از سقوط نظام الحادی در افغانستان افسوس می خورند و روسیه در استمرار جنگ همکاری دارد و جهان غرب برای بد نام ساختن نظام اسلامی در کوشش است و نظام سیاسی افغانستان را نمونه ای از اسلام معرفی میکنند و حرکت صهیونی بین المللی در نابودی افغانستان همکاری دارد تا افغانستان مجاهد و مجاهدین حقیقی آن نمونه برای مجاهدین کشور های عرب نگردد و امنیت دولت یهود در خطر نیافتد •

هفتم ـ عربستان سعودی :

عربستان سعودی از اول اعلان جهاد با ملت مجاهد افغانستان مساعدت های مالی نمود • مردم و حکومت سعودی یک ثانیه از قضیه افغانستان دور نبودند • حکومت سعودی با فرستادن مساعدات مالی و تأیید سیاسی در قضیه افغانستان شریک بود • دولت سعودی در کنفرانس اسلامی کرسی افغانستان را برای مجاهدین تسلیم نمود و نماینده حکومت الحادی افغانستان را از بانک بین المللی اسلامی اخراج ساخت •
دولت سعودی حکومت مجاهدین را در روز اول برسمیت شناخت و از اولین رئیس دولت اسلامی افغانستان استقبال رسمی نمود •
سعودی طرفدار افغانستان واحد و مرکزی است • دولت سعودی در کوشش های خود جهت اخراج مخالفین خود از افغانستان بقیادت اسامه بن لادن ناکام ماند و در نتیجه آن سفیر خود را از افغانستان بیرون کشید • بقیام دولت طالبان در کابل حکومت سعودی اولین کشور عربی بود که نظام جدید را در کابل برسمیت شناخت و از نمایندگان دولت جدید در ریاض استقبال نموده سفارت افغانستان را در ریاض به نماینده طالبان تسلیم نمود •
حکومت سعودی جهت گرفتاری اسامه بن لادن ناکام ماند لذا فیصله نمود تا شناسائی خود را از حکومت طالبان دوباره گیرد • حکومت سعودی طرفدار تشکیل حکومت مرکزی و قوی در کابل است • حکومت سعودی میخواهد از نفوذ سیاسی ایران در کابل جلوگیری نماید زیرا برای سعودی ازدیاد نفوذ سیاسی و مذهبی ایران در افغانستان غیر قابل قبول است و حکومت سعودی در قضیه افغانستان از موقف پاکستان حمایت میکند •
حکومت سعودی مانند امریکا از تشکیل حکومت دارای قاعده وسیع حمایت نموده و

در راه تحقیق صلح و تشکیل حکومت با قاعده با اطراف داخل جنگ تماس ها دارد و در این اواخر از استاد ربانی و انجینر حکمت یار استقبال نمود . تغییر موقف سعودی از نظام طالبان در موقف کشور های خلیج عربی نیز نسبت به دولت جدید طالبان اثر مستقیم دارد و تا هنوز دولت کویت سفیر دولت آقای ربانی را برسمیت می شناسد و دولت امارات عربی سویه سیاسی خود را با حکومت طالبان تقلیل داده . برای سعودی نظامیکه طالبان میسازند نسبت به تنظیم های جهادی سابق قابل قبول است لیکن کوشش دارد تا طالبان در سیاست های اجتماعی خود تغییر را قبول نمایند . اداره تبلیغات اسلامی حکومت سعودی از سیاست طالبان نسبت به طبقه زنان و بعضی قیودات شان نسبت به طبقه ذکور انتقاد نمود .

جمهوریت مصر عربی کوشش دارد تا طالبان برای اتباع کشورش اجازه اقامت را در افغانستان ندهند . حکومت مصر تقریبا مشکلات خود را با افغانستان حل نموده و تعدادی زیادی از جوانان مصری را که در افغانستان بودند یا دستگیر نموده و یا اینکه از افغانستان به کشور های دیگر رفته اند . برای دولت مصر در حالت حاضر قضیه افغانستان اهمیتی خاص ندارد .

در این حالت خود افغانها نیز به حال ملت و سرزمین افغانستان اهمیت قائل نبوده برای دیگران با برادران اسلامی خود داخل جنگ اند و بنام پشتون و تاجک و ازبک ملت را پارچه پارچه میسازند و در تقسیم افغانستان سعی دارند و در نابودی نظام اجتماعی آن در کوشش اند . در شرایطی که توضیح داده شد افغانستان از هر طرف صدمه می بیند مردم خودش یا در جنگ علیه یکدیگر مشغول اند و از ارواح پاک جوانان کشور به جمع غنائم مشغول اند و طبقه تعلیم یافته افغانستان نیز بدبختانه بنام قوم پرستی زیر تبلیغات دشمنان افغانستان و اسلام رفته اند و از عقب بقلب افغانستان خنجر میزنند . افغانستان به فرزندان خود چشم امید دارد و باید ما افغانها که منافع سیاسی واقتصادی از جنگ های داخلی کشور خود نداریم در تحقیق صلح و متحد ساختن افراد ملت خود

بکوشیم ونگذاریم تاجران داخلی و خارجی از این زیادتر وطن و ملت ما را بدبختر بسازند و باید بدانیم که روزی ملت با ما محاسبه خواهد کرد و در آخرت نیز در سکوت خود و یا در تقویت اطراف داخل جنگ نزد خداوند مسؤل خواهیم شد •

در خاتمه اگر برادران و خواهران خواهان معلومات زیادتر نسبت به نقش مصر و سعودی در افغانستان دارند میتوانند تحقیق بنده را در جریده امید مطالعه فرمایند •

آدرس :

FAZL GHANI MOGADDEDI
38730 LEXINGTON STREET
APT 161
FREMONT , CA 94536
U . S . A

در نظام دولت اسلامی

تألیف

فضل غنی مجددی

در نظام دولت اسلامی یک تحقیق علمی بوده نظام سیاسی اسلام را شرح میدهد • این تحقیق در ۲۰۲ صفحه توسط فضل غنی مجددی تألیف گردیده • این تحقیق نظام سیاسی ، مصادر قانون ، قوه قضائیه ، قوه اجرائیه ، شورای ملی ، حقوق سیاسی و اجتماعی افراد ، حقوق طبقه نسوان و حقوق اقلیت های غیر اسلامی را در دولت اسلامی شرح میدهد •

مؤلف در این تحقیق از مصادر مهم قدیم و جدید اسلامی استفاده نموده است • علاقمندان معلومات از نظام دولت اسلامی می توانند کتاب را از آدرس مؤلف بدست بیآورند و همچنان کتاب در تمام فروشگاه های افغانی در امریکا موجود است •

قیمت کتاب ۸ دالر امریکائی و قیمت پست داخل امریکا ۳ دالر و کانادا ۵ دالر واروپا ۱۰ دالر میباشد •

مجله فقه اسلامی

مجله فقه اسلامی در اول هر ماه بنشر میرسد • در این مجله آنچه یک فرد مسلمان در کشور غیر اسلامی احتیاج دارد شرح داده میشود • برادران و خواهران با ارسال فقط قیمت پست میتوانند مجله را در هر ماه با خود داشته باشند و همچنان برادران و خواهران میتوانند از مساجد افغانی بدون پرداخت مالی مجله را بدست آورند • هر برادر و خواهر که میخواهد در راه خیر اسلامی سهم داشته باشد می تواند صدقه خود را به آدرس مجله ارسال نماید و داخل اجر گردد زیرا نشر مجله و ادامه آن مربوط به همکاری همه میباشد •

افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان

۱۹۱۹ _ ۱۹۲۹

تألیف

فضل غنی مجددی

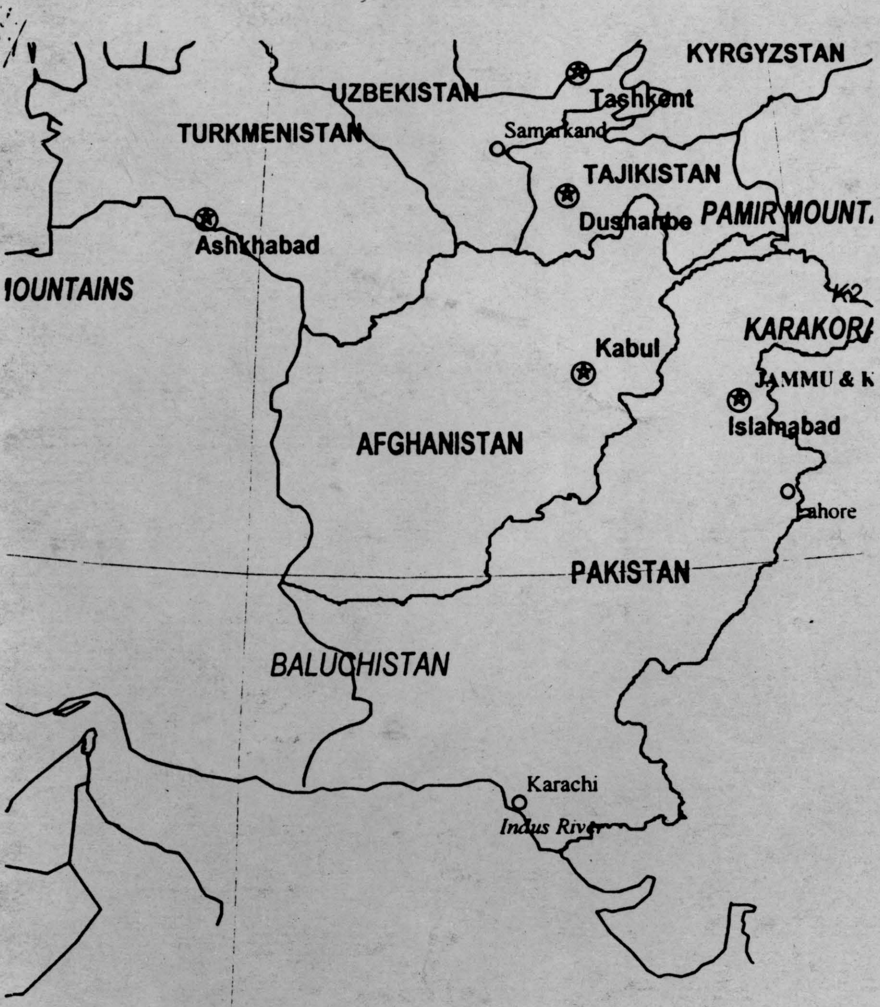
افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان یک تحقیق علمی و وثائقی بوده که توسط فضل غنی مجددی در ٤١٦ صفحه تألیف گردیده • این تحقیق برای اولین بار موضوعات سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی افغانستان را در بدأیت قرن بیستم مورد مطالعه قرار داده و اسباب انقلابات را و نقش ارکان دولت امان الله خان و ادراه جاسوسی انگلستان را در سقوط دولت امانیه واضح میسازد •

در نهایت این تحقیق تعدادی از وثائق افغانی برای اولین مرتبه بنشر رسیده که نشر آن برای محققین جوان افغان مفید است •

علاقمندان کتب تاریخ و آنانیکه به تحقیقات تاریخ علاقه داشته باشند میتوانند به آدرس مؤلف بتماس شوند •

قیمت کتاب ۱۵ دالر امریکائی و قیمت پست داخل امریکا ۳ دالر و برای کانادا ۵ دالر و اروپا ۱۰ دالر میباشد •

MOGADDEDI , FAZL
38730 LEXINGTON STREET # 161
FREMONT , CA 94536
U . S . A



KYRGYZSTAN
UZBEKISTAN
Tashkent
TURKMENISTAN
Samarkand
TAJIKISTAN
Dushanbe
PAMIR MOUNT.
Ashkhabad
IOUNTAINS
K2
KARAKOR
Kabul
JAMMU & K
Islamabad
AFGHANISTAN
Lahore
PAKISTAN
BALUCHISTAN
Karachi
Indus River